

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی  
مقاله پژوهشی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۲، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۲۷ تا ۱۶۴  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

## مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی؛ مبانی، چالش‌ها و راهکارها

|سجاد شهسواری| دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات،  
دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.  
|حسنعلی مؤذن‌زادگان\*| استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه  
طباطبایی، تهران، ایران.  
|مهرداد رایجیان اصلی| استادیار گروه حقوق و فقه، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی  
(سمت)، تهران، ایران.

### چکیده

بزه‌دیده از جرم در تعقیب کیفری نقش مهم و اساسی را برعهده دارد. در جرائم قابل گذشت، تعقیب کیفری بدون خواست و اراده وی امکان‌پذیر نیست و در جرائم غیرقابل گذشت نیز وی می‌تواند نقش مهم و فعالی را در تعقیب کیفری داشته باشد. در این تحقیق با موضوع «مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی: مبانی، چالش‌ها و راهکارها» با روش توصیفی و تحلیلی نتایج ذیل حاصل شد. مشارکت بزه‌دیده در تعقیب کیفری با دو دسته از چالش‌ها روبه‌روست. چالش‌های شخصی که مرتبط با خود بزه‌دیده است و در این بین ترس بزه‌دیده، شرم و حیای بزه‌دیده، ملاحظات خانوادگی و دوستی، عدم آگاهی بزه‌دیده و ناتوانی بزه‌دیده از مهم‌ترین علل عدم مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب هستند. چالش‌های ساختاری که مرتبط با ساختار نظام عدالت کیفری بوده که در این بین عدم ارتباط مناسب بین بزه‌دیده و مقام تعقیب و واسطه قرار گرفتن ضابطان و کارکنان و دفاتر خدمات قضائی، حاکمیت اقتدار مقام تعقیب، سری بودن و غیرترافی بودن برخی مراحل دادرسی و اطاله امر تعقیب از مهم‌ترین چالش‌های ساختاری هستند. نظام دادرسی کیفری ایران در حوزه چالش‌های ساختاری سعی در افزایش مشارکت بزه‌دیده در دادرسی

کیفری داشته است، لیکن در خصوص چالش‌های شخصی مرتبط با بزه‌دیده، از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. از بین بردن زمینه‌های ترس و شرم در بزه‌دیده، اجازه دادن به بزه‌دیده در عدم تعقیب، کمک به حفظ هویت و آبروی بزه‌دیده، حذف واسطه‌های بین بزه‌دیده و مقامات دادرسی کیفری و ارتقای دانش حقوقی ضابطان و کارکنان می‌تواند به مشارکت بیشتر بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری منجر شود.

**واژگان کلیدی:** بزه‌دیده، تعقیب کیفری، مشارکت، دادستان، دادرسی کیفری.

### مقدمه

بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌شود (ماده ۱۰ آیین دادرسی کیفری). در اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۵ بزه‌دیده این گونه شده است: «منظور از قربانیان، اشخاصی هستند که به صورت فردی یا دسته‌جمعی متحمل خسارت به‌ویژه صدمه به تمامیت جسمانی یا روحی، زیان مادی یا آسیب شدید به حقوق اساسی خود در اثر فعل یا ترک فعل ناشی از نقض قوانین کیفری شده‌اند» (والین، ۱۳۸۵: ۳۶). قانون آیین دادرسی کیفری ضمن تفکیک و تمیز مدعی خصوصی از شاکی در تفاوت این دو مقرر می‌دارد: «... چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، "شاکی" و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی: نامیده می‌شود». البته در بیشتر موارد بزه‌دیده، تعقیب کیفری و جبران ضرر و زیان را با هم خواستار می‌شود. در چنین مواردی عنوان کلی‌تر بزه‌دیده که هم شامل شاکی و هم شامل مدعی خصوصی است، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. به عقیده برخی از حقوق‌دانان «زیان‌دیده از جرم کسی است که جرمی علیه او صورت پذیرفته باشد و در نتیجه آن، یک ضرر و زیان مادی و یا معنوی به او وارد شده باشد» (منصورآبادی و فروغی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). البته سامانه‌های حقوقی در شناسایی اشخاص حقوقی به‌منزله بزه‌دیده، هم‌داستان نیستند. بزه‌دیده موضوع اصلی بزه‌دیده‌شناسی است و مطالعه خاص بزه‌دیده محور این دانش نوین است. «بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان یک شاخه فرعی جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد» (Tiwari, 2012: 96) و البته از طرف دیگر «بزه‌دیده‌شناسی، نیز توانسته است که جرم‌شناسی را به‌طور اساسی متحول کند» (فتاح، ۱۴:۲۰۰۰).

بزه‌دیده در تمامی فرایند دادرسی کیفری از حقوقی برخوردار است. حقوقی را که بزه‌دیده در مراحل دادرسی کیفری از آن برخوردار هستند، از حیث منشأ می‌توان به دو منبع متصل کرد. یکی «حقوق طبیعی» است و دیگری «حقوق قانونی» است. حقوق طبیعی، حقوقی هستند که «ساخته

دست بشر نیستند» (اشتراوس، ۱۳۹۳: ۲۴)؛ یعنی برای همه مردم اعمال می‌شود و از قوانین جامعه خاصی نشئت نمی‌گیرد. در مقابل، حقوق قانونی وجود دارد که براساس، قوانین و مقررات یک جامعه به وجود می‌آیند و در مورد حقوق بزه‌دیده، به خصوص قانون آیین دادرسی کیفری و مقررات مرتبط با آن مورد نظر است. یک نمونه از حقوق بزه‌دیده در دادرسی کیفری «حق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری» است. مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری یک حق مطلق و بدون قید و شرط نیست. حق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری باید با هوشیاری اعطا شود و دارای حد و مرز باشد و به عبارتی دیگر باید مقید شود. در راستای اعمال حق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، بزه‌دیدگان باید از جایگاه مشارکت‌کنندگان برخوردار باشند، نه اینکه صاحب جایگاه طرفین دعوا شوند. قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، قلمرو جرائم قابل گذشت را افزایش داده است (روستائی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۴۶).

فرضیه این تحقیق مبتنی بر این است که امکان مشارکت بیشتر بزه‌دیدگان در دادرسی کیفری وجود دارد و با کاهش زمینه‌های ترس و شرم بزه‌دیده، افزایش آگاهی بزه‌دیدگان از حق مشارکت در دادرسی کیفری، کاهش فاصله مقام تعقیب و بزه‌دیده. کاهش اطلاع دادرسی می‌تواند به مشارکت بیشتر بزه‌دیده در دادرسی کیفری منجر شود.

در ارتباط با مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، مبانی و چالش‌های آن، پژوهش‌های مرتبطی در گذشته صورت گرفته است. از جمله توجهی در رساله دکتری با موضوع «جایگاه بزه‌دیده در سیاست جنایی ایران»، رایجیان اصلی در مقاله «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته»، مؤذن‌زادگان در مقاله «خدمات اولیه نظام عدالت به بزه‌دیده در پرتو حضور پلیس» و مؤذن‌زادگان در مقاله «پیشگیری از تشدید بزه‌دیدگی در فرایند دادرسی» به برخی از جنبه‌های مشارکت اشاره کرده‌اند؛ لیکن در هیچ تحقیقی به طور مجزا، موضوع مبانی مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی، چالش‌ها و راهکارها مورد بررسی قرار نگرفته است. برای تحلیل این موضوع این مقاله در سه قسمت به بررسی مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری می‌پردازد. در قسمت اول مبانی مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری بررسی می‌شود، در قسمت دوم چالش‌های مشارکت بررسی و در قسمت سوم نیز راهکارهایی در جهت گذر از این چالش‌ها ارائه می‌شود.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ دادن به این سؤال‌هاست که؛ مبانی مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری چه هستند؟ مشارکت بزه‌دیده با چه چالش‌هایی روبه‌روست و چه راهکارهایی در جهت گذر از چالش‌ها و افزایش مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری وجود دارد؟

### ۱. مبانی مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری

منظور از مبانی «بیان پیش‌فرض‌ها، باورهای اعتقادی یا علمی و نیز دلایل جواز و مشروعیتی» (شایان مهر، ۱۳۷۹: ۵۲۳) است که مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری را توجیه می‌کند و از این منظر می‌توان مبانی ذیل را در جهت مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری بیان کرد.

#### ۱-۱. ارتقای جایگاه بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری

سابقه مداخلات بزه‌دیده در دادرسی کیفری، به نحوی بوده است که در بیشتر موارد بزه‌دیده به‌عنوان بازیگر اصلی دعوی کیفری شناخته نمی‌شده و به تعبیری، جایگاه بزه‌دیده در دادرسی کیفری یک جایگاه فرعی بوده است. برای نمونه در رویه دادرسی‌های بین‌المللی، قبل از تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری، بزه‌دیده تنها به‌عنوان گواه، واجد قابلیت مداخله و ایفای نقش در دادرسی می‌بود. در دیوان کیفری بین‌المللی بزه‌دیدگان، ضمن مراحل رسیدگی حق دارند که دیدگاه‌ها و نگرانی‌هایشان را به قضات اعلام کنند. از این حق به «مشارکت» تعبیر شده است که عمدتاً از طریق نمایندگان حقوقی بزه‌دیدگان، اعمال می‌شود (Luke, 2014: 78). در واقع، اساسنامه رم، به‌عنوان سند تأسیس دیوان، نسبت به دادگاه‌های بین‌المللی پیشین، از طریق شناسایی، مشارکت، محافظت و اقدامات حمایتی، به بزه‌دیده نقش بسیار بیشتری در آیین رسیدگی به جرائم داده است. «اهمیت موقعیت بزه‌دیدگان از این جهت است که مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی کیفری در نظر گرفته شده است» (لعل علیزاده، ۱۳۹۶: ۹۶). یکی از مهم‌ترین طرق ارتقای جایگاه بزه‌دیده در دادرسی کیفری این است که حق مشارکت بزه‌دیده در مراحل دادرسی کیفری به رسمیت شناخته شود.

#### ۱-۲. کمک به حرکت چرخ نظام عدالت کیفری

بزه‌دیدگان نقش مهمی در به حرکت درآوردن چرخ‌های فرایند عدالت جنایی ایفا می‌کنند و از این رو، باید در مورد جایگاه آنان در نظام عدالت جنایی بازاندیشی کرد. عدالت کیفری در واقع یکی از اصول اساسی آیین دادرسی کیفری در اسلام است، به گونه‌ای که توجه و دقت پیرامون آیات مربوط به قضا در قرآن کریم نشان می‌دهد که خداوند به بحث قضا و محاکمه عادلانه توجه ویژه‌ای داشته است: «ای داوود ما تو را در زمین خلیفه قرار دادیم پس میان مردم به حق حکم

کن» (ص: ۳۶). در این باره مقدس اردبیلی می‌نویسد: پیامبر اکرم (ص) طبق این آیه شریفه مأمور شد تا در میان یهود به قضاوت مطابق حق و وحی برخیزد و از خواست‌ها و تمایلات ایشان پیروی نکند و داوری بر طبق آنچه که خدا به او نازل کرده است، انجام دهد. این دستور نه تنها بر رسول خدا و معصومین (ع) که بر همه مجتهدان واجب است (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۶۸۳). استنباط از آیه ذکرشده و قول رسول (ص) نشان می‌دهد که عدالت دادرسی و نظام عادلانه اصلی اساسی و جزئی لاینفک از اصول اساسی اسلام است که می‌تواند بزه‌دیده را نیز در برگیرد در همین راستا باید مشارکت آن‌ها در دادرسی کیفری به نحو بهتری مورد پذیرش قرار گیرد و بزه‌دیده در تمامی مراحل دادرسی کیفری مشارکت داده شود؛ مسئله‌ای که امروزه مورد توجه اکثر مکاتب کیفری و دادرسی قرار گرفته است.

### ۱-۳. کمک به جمع‌آوری ادله

در بیشتر موارد، بزه‌دیده از جرم، بیشترین و بهترین اطلاعات ممکن را از جرم ارتكابی دارد و نظام دادرسی کیفری نباید خود را از این اطلاعات مهم محروم کند و بهترین راه برای دستیابی به این اطلاعات این است که مشارکت مؤثر بزه‌دیده را در دادرسی کیفری و به‌خصوص در دو مرحله شروع تعقیب کیفری و تحقیقات مقدماتی بپذیرد. تکمیل درخواست از سوی بزه‌دیدگان، دانش حقوقی بسیار زیادی را می‌طلبد و لذا انجام آن توسط اشخاص غیرمتخصص مقدور نیست. مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی درخصوص مشارکت بزه‌دیدگان، کلی است و این امر، قضات را قادر می‌سازد تا رویکرد موسعی در این راستا اتخاذ کنند (رضوی‌فرد و فقیه محمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۵)

در حقوق ایران، پس از آن‌که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، بر اساس ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند. همچنین طبق ماده ۱۰۰ این قانون، شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله خود را ارائه کند و در تحقیقات حضور داشته باشد.

### ۱-۴. تسریع دادرسی کیفری

مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری به تسریع در آن منجر می‌شود. این مشارکت به‌خصوص در مرحله تحقیقات مقدماتی اثر خود را نشان می‌دهد. «مشارکت بزه‌دیده در انجام تحقیقات برای

تسریع در انجام تحقیقات است» (Doak, 2009: 225). هر مقام تحقیق که به حکم قانون عهده‌دار انجام امر تحقیق است باید در اقدام سریع و به موقع آن کوشش کند و از به تعویق انداختن هرگونه اقدام تحقیقی که باعث زوال دلایل و یا ضرورت آن احساس می‌شود، بپرهیزد. پس بی‌شک «هرگونه تعلل و تساهل و عدم اقدام به موقع در انجام تحقیقات مقدماتی ممکن است اهداف آیین دادرسی را خدشه‌دار نماید» (علوی، ۱۳۹۴: ۶۵).

درخصوص اصل سرعت در تحقیقات مقدماتی قسمت سوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر داشته است که «شخص متهم به ارتکاب جرم باید بدون تأخیر مورد محاکمه قرار گیرد». کمیته حقوق بشر سازمان ملل در یک توضیح کلی اظهار داشته که «برخورداری از حق مورد بحث هنگامی است که در تمام مراحل رسیدگی اعم از بدوی و استیناف و تجدیدنظر هیچ‌گونه تأخیر غیرضروری صورت نگرفته باشد» (جوانمرد، ۱۳۹۵: ۱۸).

#### ۵-۱. هدایت برخی از دعاوی کیفری به سمت سازش

یکی از مبانی مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، حصول سازش در برخی از دعاوی کیفری است. در راستای اعاده نظم و تضمین حقوق طرفین دعوای کیفری تلاش شده است تا «دستاوردهای جنبش نوظهور عرصه سیاست جنایی یعنی «عدالت ترمیمی» در بستر نظام عدالت کیفری اجرایی گردد» (شیری، ۱۳۸۵: ۳۴۴). از این روست که اصل صلح و سازش حقوقی، با همان هدف، در قالب نهادهای نو کیفری از جمله میانجی‌گری وارد قلمرو آیین دادرسی کیفری شده است. اصل سازش کیفری در قالب میانجی‌گری از رهگذر خانه‌های انصاف و شوراهای داوری در سیاست جنایی ایران شروع و در قالب شوراهای حلّ اختلاف ادامه یافت» (نیازپور، ۱۳۹۱: ۲۰۵) و تمامی این ابتکارات نیاز به مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری دارد.

تحوّل و استمرار این اصل در ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری دنبال شده است. حقّ بر مشارکت بزه‌دیده در دادرسی‌های جایگزین تعقیب دعوای کیفری امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بزه‌دیدگان جرائم (گسن، ۱۳۸۵: ۴۵) در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به‌ویژه محاکمات دیوان کیفری بین‌المللی، هرچند حقّ به جریان انداختن دعوا براساس شکایت بزه‌دیدگان پیش‌بینی نشده است، براساس مقرّرات دیوان، بزه‌دیدگان جرائم می‌توانند در تمام مراحل رسیدگی دیدگاه‌های خود را به‌طور مستقیم به دیوان ارائه کنند و در چارچوب صلاحیت و اختیارات شعبه مقدماتی درخواست تجدیدنظر کنند. بنابراین، اصل مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی‌های کیفری و تلاش در جهت اجرای اصل سازش کیفری با نمودها و جلوه‌های خاصّ خود مانند میانجی‌گری،

تعلیق تعقیب، بایگانی کردن پرونده و . . . در چارچوب تقویت اصول راهبردی دعوای قضائی قلمداد شده‌اند. این اصل راهبردی خود محصول توسعه و تکامل است» (تدین و باقری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۱۹۷). در نتیجه یکی از مبانی مهم مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی کیفری تحقق شیوه‌های سازش در دادرسی کیفری است.

### ۱-۶. ترافی شدن مرحله رسیدگی کیفری

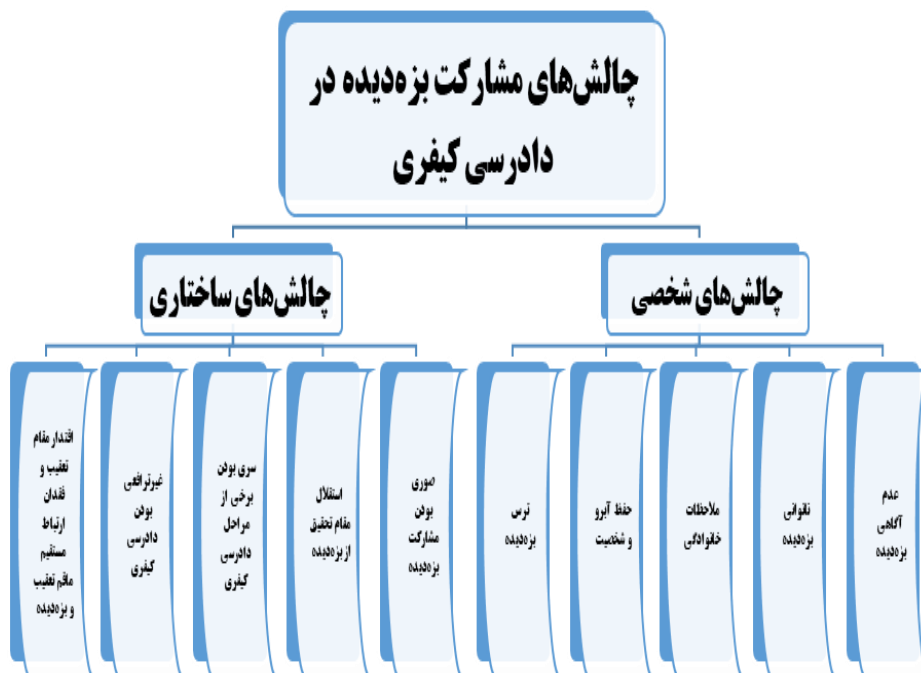
ترافی شدن مرحله رسیدگی از مراحل دادرسی کیفری نیاز به مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری دارد. خصوصیات و ویژگی‌های حاکم بر مرحله دادرسی اقتضا می‌کند که طرفین جرم، مشارکت بیشتری در طی این فرایند داشته باشند. حقوق بزه‌دیده همیشه در مقابل حقوق متهم قرار نمی‌گیرد و بسیاری از عناصر داخل در حقوق بزه‌دیده بر حقوق متهم منطبق است. «حق مداخله در دادرسی کیفری از جمله این حقوق است» (اسدی، ۱۳۹۲: ۲۱۴). حق مشارکت در تحقیقات مقدماتی به دلیل محرمانه بودن آن، به طور محدودی برای بزه‌دیدگان وجود دارد، لیکن در مرحله محاکمه، به دلیل آزادی بیشتری که در این مرحله وجود دارد، باید زمینه مشارکت و مداخله بیشتر بزه‌دیده در دادرسی کیفری فراهم شود. برای مثال در انگلستان و ولز برای قربانیان جنایت<sup>۱</sup> حقوق مختلفی که باید به قربانی جرم داده شود، در نظر گرفته شده است؛ مثلاً قربانی حق اظهارات شخصی خود را مبنی بر اینکه جنایت بر او تأثیر گذاشته است دارد و دادگاه اظهارات وی را در حین صدور حکم مورد بررسی قرار می‌دهد علاوه بر آن، در این دو کشور بزه‌دیده حق از پیشرفت مجرم و همچنین در صورت رسیدگی دادگاه به آزادی مشروط یا آزادی وی مطلع شود. جمیع موارد فوق نشان می‌دهد که قربانی یا بزه‌دیده مشارکت فعالی در فرایند دادرسی در این دو کشور دارد - 2: (Raje, 2022 8). در یک مثال دیگر می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری روسیه مصوب ۲۰۰۲ اشاره کرد که مسئله محافظت و حمایت بزه‌دیدگان جرم علیه تهدیدها و فشارهای گروه‌های مجرمانه دخیل در محاکمه است. ماده ۱۱ (۳) این قانون مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه را هم در مرحله قبل از محاکمه و هم در مرحله محاکمه ارائه می‌کند که در آن حقایق کافی نشان‌دهنده وجود مخاطره نه فقط برای اشخاص فوق‌الذکر بلکه همچنین برای خویشاوندان و دیگر اشخاص نزدیک به آن‌ها باشد. طی مرحله قبل از محاکمه، داده‌های شخصی در خصوص شهود یا بزه‌دیدگان جرم را که در یک اقدام تحقیقاتی شرکت کرده‌اند، می‌توان از مرحله تحقیقات حذف کرد.<sup>۲</sup> نظام

1. Code of Practice for Victims of Crime in England and Wales

2. Article 166 (9) of the Criminal Procedure Code.

دادرسی کیفری ایران نیز، مداخله و مشارکت بزه‌دیده در مرحله محاکمه را به صورت مختلفی مورد پذیرش قرار داده است. ماهیت دادرسی به نحوی است که نیاز به ترافع و مشارکت بزه‌دیده دارد.

## ۲. چالش‌های مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری



نمودار ۱. چالش‌های مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری

دو دسته از عوامل اصلی در تحقق مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، نقش دارند. یک دسته از عوامل شخصی بوده و به شخص بزه‌دیده مربوط می‌شود که میزان مشارکت وی را در دادرسی کیفری، افزایش و یا کاهش می‌دهد و دسته دوم نیز عوامل ساختاری هستند که به ساختار نظام عدالت کیفری برمی‌گردد.



## ۱-۲. چالش‌های شخصی

یک سری از عوامل درونی، مانع مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری می‌شود. منظور از موانع درونی، موانعی است که به خود بزه‌دیده برمی‌گردد و از یک بزه‌دیده به بزه‌دیده دیگر متفاوت است. در بین عوامل درونی، دو عامل «ترس» و «شرم و حیا» از اهمیت بیشتری برخوردارند.

## ۱-۱-۲. ترس بزه‌دیده

ترس حالتی هیجانی است که به‌علت ایجاد یا پیش‌بینی محرک مضر و خطرناک پیش می‌آید (یزدانی، ۱۴۰۱: ۲۷). ترس بزه‌دیده از مشارکت در شروع تعقیب کیفری، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. ترس از اینکه بعد از شروع تعقیب، کاری انجام نشود. ترس از اینکه خود بزه‌دیده و یا شکایت وی، جدی گرفته نشود. عدم رضایت از طرح شکایات قبلی، به نحوی که یک نوع ترس از مشارکت در تعقیب‌های کیفری آتی ایجاد می‌کند (Hoteling, 2003: 4). ترس از اینکه پس از شروع تعقیب کیفری، موقعیت تعقیب تغییر یابد و بزه‌دیده به‌عنوان متهم شناخته شود. ترس از اینکه به‌دلیل کوتاهی‌ها و یا قصور بزه‌دیده، وی مورد تمسخر مقامات تعقیب قرار گیرد. ترس از ناتوان به نظر رسیدن و ناتوانی در مقابله با موقعیت‌های دشوار که تعقیب کیفری هم از جمله این موقعیت‌های دشوار است، نیز عامل مهمی در عدم مشارکت در شروع تعقیب کیفری است و از همه مهم‌تر اینکه ترس از انتقام از سوی متهم، به عامل مهمی در جهت عدم مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری تبدیل می‌شود.

چنانچه مشاهده می‌شود، «ترس» به دلایل مختلف، عامل مهم درونی است که در موارد متعددی بزه‌دیده را از مشارکت در شروع تعقیب کیفری باز می‌دارد. در حالی که حمایت چنین بزه‌دیدگانی وظیفه نظام عدالت کیفری است. (Victim and Witness Policy and Strategy Team, 2021: 4) و باید به طرق مختلف بزه‌دیدگان را در مقابل جنبه‌های مختلف ترس مورد حمایت قرار دهد.

نظام دادرسی کیفری ایران نیز با این چالش روبه‌روست و جرائم ارتكابی متعددی، به‌دلیل ترس بزه‌دیده و یا بزه‌دیدگان، تحت تأثیر عوامل گفته شده با مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری همراه نمی‌شوند. نظام دادرسی کیفری ایران با توسل به راهکارهای متعدد درصدد تأمین این مشارکت است. در وهله اول از نظر زمانی، قانون آیین دادرسی کیفری، هیچ محدودیت زمانی را برای مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب قائل نشده است. جایی که در ماده ۳۷ قانون آیین دادرسی کیفری بیان شده است که شکایت بزه‌دیده باید در «همه وقت» توسط ضابطان دریافت شود

(خالقی، ۱۳۹۸: ۳۸). رفتار ارتكابی متهم و با دوستان وی بعد از ارتكاب جرم، ممکن است به ایجاد ترس و وحشت در بزه‌دیده منتهی شود، ترس از اینکه در آینده نزدیک و مجدداً خشونت علیه او به کار گرفته خواهد شد. در برخی از کشورها مثل نظام کیفری انگلستان، این نوع تهاجم واجد عنوان مجرمانه معینی است (اعتمادی و حسینی، ۱۳۹۶: ۹)، اما قانون‌گذار ایرانی به ارتكاب این‌گونه رفتارها به‌طور خاص توجه نکرده است.

در مواردی ترس بزه‌دیده به دلیل نگرانی‌ای است که از شهود و مطلعان دارد. در رویه قضائی ایران، تجارب مشاهده‌شده توسط پژوهشگران حاکی از آن است که شعب دادرسی از دادپداری و بازپرسی، اساساً با مطالعه پرونده توسط متهم موافقت نمی‌کنند و این امر را به معرفی وکیل موکول می‌سازند. هرچند این ممانعت شاید با هدف خاص حمایت از شهود معرفی‌شده در پرونده صورت نگیرد، اما از نتایج خواسته یا ناخواسته چنین رویه‌ای حفظ هویت شاهد است (اختری و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۷: ۱۰۷) که بزه‌دیده در صورت اطلاع از این امر با جسارت بیشتری به طرح شکایت خود اقدام خواهد کرد.

## ۲-۱-۲. حفظ آبرو و شخصیت

یکی از علل مهم عدم مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری این است که بزه‌دیده تصور می‌کند که با طرح شکایت، آبرویش می‌رود و شخصیتش خدشه‌دار می‌شود. به عبارت دیگر از مشارکت در دادرسی کیفری شرم دارد. شرم احساس دردناکی است که با بسیاری از مشکلات روانی از جمله پرخاشگری، افسردگی، اختلالات جسمی، اضطراب، اختلال وسواس، اختلالات شخصیتی، مصرف مواد مخدر و عزت نفس پایین ارتباط دارد (Scambler, 2021: 12). شرم یک تجربه هیجانی است که با کناره‌گیری، در ارتباط است. یک نگرانی ثابت آزاردهنده در مورد بی‌کفایتی یا شکست حاصل از ارزشیابی منفی، از وجود خویش است (پراون، ۱۳۹۸: ۳۹) و یک نوع عاطفه منفی است. شرم هیجانی است که در روابط اجتماعی شکل می‌گیرد و بر همین اساس این هیجان می‌تواند تحت تأثیر افراد مهم زندگی فرد شکل گیرد و ریشه‌های شرم در دوران کودکی قرار دارد. شرم یک عامل بازدارنده مهم از مشارکت در شروع تعقیب کیفری و به‌خصوص در گروه خاصی از جرائم است. این عامل شخصی در عدم مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری در برخی از جرائم و به‌خصوص جرائمی است که بزه‌دیده آن با وضعیت بی‌آبرویی در جامعه روبه‌رو می‌شود؛ نقش مهم و اصلی را دارد (Renzetti & Yocum, 2013: 18).

چه بسیار بزه‌دیدگان جرائم جنسی که به دلیل شرم و حیا و جلوگیری از بی‌آبرویی خودشان، از مشارکت در تعقیب کیفری و طرح شکایت امتناع کرده‌اند (Knudsen, 2020: 12).

### ۳-۱-۲. ملاحظات خانوادگی، فامیلی و دوستی

بسیاری از بزه‌دیدگان به شدت به خانواده، فامیل و حتی جمع دوستان، وابسته‌اند و چنانچه جرمی از سوی یکی از اعضای خانواده، فامیل و حتی دوستان نسبت به وی ارتکاب یابد، به دلیل این وابستگی، حاضر به مشارکت در شروع تعقیب کیفری نیستند و اگر جرم از جرائم قابل گذشت باشد، اقدام به شرح شکایت و شروع تعقیب کیفری نمی‌کنند و اگر جرم از جرائم غیرقابل گذشت باشد که نیازی به طرح شکایت از سوی بزه‌دیده ندارد، مشارکت چندانی با مقام تعقیب در جهت شروع تعقیب کیفری نخواهند داشت. ملاحظات خانوادگی در عدم تعقیب کیفری به خصوص در جرائم ارتكابی توسط یکی از اعضای خانواده، علیه دیگری بسیار مشاهده می‌شود (schoonmaker, 2010: 156). جرائم ارتكابی توسط والدین نسبت به فرزندان و توسط زن و شوهر نسبت به یکدیگر در موارد متعددی با عدم تعقیب کیفری همراه می‌شوند و این بدین دلیل است که بزه‌دیدگان این جرائم به دلیل ملاحظات خانوادگی و یا دوستی، حاضر به مشارکت در شروع تعقیب کیفری نیستند.

### ۴-۱-۲. عدم مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری به دلیل ناتوانی

در مواردی علت اصلی عدم مشارکت بزه‌دیده در مشارکت در شروع تعقیب کیفری، ناتوانی بزه‌دیده است در مواردی که تعقیب امر کیفری به شکایت شاکی است (جرائم قابل گذشت) و بزه‌دیده دارای حالت و ویژگی است که ناتوان در اقامه دعوی است؛ همانند ناتوانایی‌های جسمی و ذهنی (معلولیت) یا کهولت سن، دادستان تکلیف دارد که پس از به دست آوردن نظر موافق آنان، مبادرت به تعقیب امر کیفری کند (گلدوست جویباری، ۱۳۹۶: ۱۷۹). قاعده کلی و اصلی این است که در چنین مواردی اگر ولی یا قیم وجود دارد، شکایت از طرف وی مطرح شود، لیکن در مواردی از قبیل معلولیت جسمی که حجر تلقی نمی‌شود، ولی یا قیمی وجود ندارد و دادستان باید به طور مستقیم ورود پیدا کند. مهم این است که شخص از دادستان تعقیب کیفری را خواستار شود و یا دادستان از این موضوع مطلع شود.

این حق از جهت نظری به خوبی در نظام دادرسی کیفری ایران مورد قبول واقع شده است و اگر بزه‌دیده شخصاً یا به طرق دیگری، نتواند شکایت خود را مطرح کند، در نهایت و به‌عنوان آخرین

راهکار، می‌تواند از طریق دادستان این کار را انجام دهد، اما چالش در اجرایی شدن این حق است که به دلیل مشغله فراوان دادستان‌ها، در بیشتر موارد، مشارکت بزه‌دیده از این طریق فراهم نمی‌شود.

## ۲-۱-۵. عدم آگاهی بزه‌دیده

یکی دیگر از علل شخصی عدم مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، عدم آگاهی مناسب بزه‌دیده از روند و ساختار تعقیب کیفری و همچنین حقوقی است که یک بزه‌دیده در تعقیب کیفری داراست. «اصل اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده شامل آگاهی از جریان دادرسی و آگاهی یافتن از حقوق است» (تدین و باقری‌نژاد، ۱۳۹۴: ۳۴۱). در ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «متهم، بزه‌دیده و شاهد باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود»، لیکن چالش‌های روبه‌رو در اجرای این ماده آن است که درخصوص اینکه توسط چه نهادی و به چه صورتی این مسئله باید مراعات شود، چندان ذکر می‌شود که میان نیامده است. قانونگذار مکلف است نظام ویژه و محلی ارزش‌ها و اعتقادات را که زمینه‌ساز نوعی خودآگاهی است و مقوم جهان اجتماعی افراد جامعه است بشناسد و با درک مؤلفه‌های ارزشی حاکم بر آن جامعه، ارائه طریق کند. «این ارزش‌ها که از دیدگاه آگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی، قدرت معنوی قلمداد شده‌اند، باید در مقام وضع قانون مورد توجه قانونگذار قرار گیرند» (وٹوقی و نیک‌خلیق، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

اطلاع‌رسانی به قربانیان جرم درباره نقش و مشارکت آنان در فرایند رسیدگی، مدت و روند رسیدگی‌ها و وضعیت پیشرفت پرونده، چگونگی جبران و شیوه‌های آن و همچنین بهره‌مند شدن از معاضدت‌های قضائی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌عنوان مثال در کشور دانمارک در حوزه بزه‌دیدگان اقدامات مناسبی در این زمینه انجام شده است که لازم است از سوی دادرسی کیفری ایران لحاظ گردد. به‌عنوان مثال در دانمارک، قربانیان حق داشتن یک نماینده قانونی و حق کسب اطلاعات در مورد مراحل دادرسی که ممکن است در مورد آن‌ها انجام شود، را دارند. علاوه بر آن نیز دادگاه‌ها را ملزم به رسیدگی به پرونده‌های خشونت ظرف ۳۷ روز می‌کند. مثال دیگر ایجاد مراکز مشاوره قربانیان است (Holmberg, 2021: 91).

مشاوره‌ای که از دو منظر اهمیت دارد اولاً، آگاهی دادن به بزه‌دیده در راستای آشنایی با حقوق خود و چگونگی کسب اطلاعات و مطالبه حق خود و ثانیاً، کمک روانی و روان‌شناسی به بزه‌دیده. بزه‌دیده باید بداند که اولاً، حق جبران خسارت از طریق مسیر دادرسی کیفری را دارد و ثانیاً، از معاضدت لازم در این خصوص بهره‌مند شود. «حق کسب اطلاع در مورد پرونده کیفری» (فتاح،

۱۳۷۱:۹۸) لازمه اولیه این حق است. وی باید از تمامی شیوه‌های جبران خسارت که شامل جبران خسارت<sup>۱</sup> از گذر بزه‌کار شامل برگرداندن مال به دست آمده از جرم، پرداخت پول یا هزینه‌هایی که از بزه‌دیدگی ناشی شده، خدمات‌رسانی و غیره می‌شود و پرداخت غرامت دولتی<sup>۲</sup> به هر شکلی که باشد، مطلع شود و حق دارد تا از سازوکارهای نارسمی جبران (مانند میانجی‌گری و سازش) در چارچوب دادگری ترمیمی نیز بهره‌مند شود.

«بزه‌دیدگانی که به این شکل از سوی مقام‌های قانونی، آگاه نگه داشته می‌شوند، روش نظام عدالت را منصفانه تلقی کرده» (شایان، ۱۳۹۴:۸۱) و آگاهی‌دهی به بزه‌دیده درخصوص روند پیشرفت پرونده به آن معناست که «مقام‌های عدالت کیفری وی را فراموش نکرده‌اند» (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱:۲۳۷). بزرگ‌ترین چالش پیش‌روی مشارکت بزه‌دیده، عدم انسجام و تنسيق مشارکت فعال بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق و برخوردار نبودن آنان از ارشادات مناسب حقوقی است.

## ۲-۲. چالش‌های ساختاری

مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری تا حدود زیادی به مهیا بودن ساختار پیش‌بینی شده برای امر تعقیب کیفری وابسته است. هرگونه نقض و ایراد وارد بر این ساختار بر میزان مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری مؤثر است. در این بین چالش‌های وجود دارد که به کاهش مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری منجر می‌شود.

### ۲-۲-۱. اقتدار مقام تعقیب و فقدان مستقیم ارتباط بزه‌دیده و مقام تعقیب

چنانچه امر تعقیب کیفری را مورد توجه قرار دهیم، ابتکار عمل در امر تعقیب با دادستان است و بزه‌دیده در این خصوص نقش ثانوی و فرعی دارد. قانونگذار شکایت و یا اعلام جرم از طرف بزه‌دیده را از جهات قانونی شروع تعقیب می‌داند. جایگاه بزه‌دیده در فرایند تعقیب و حق بزه‌دیده در تداوم پیگرد یا پایداری دعوا از دو جهت قابل توجه است و در جرائم غیرقابل گذشت و جرائم قابل گذشت این جایگاه متفاوت است. مشارکت دادن و همراهی بزه‌دیده با مقام تعقیب در مرحله تعقیب از یک سو به مقام تعقیب برای دسترسی به ادله لازم، کمک زیادی می‌کند و از طرف دیگر، حقوق بزه‌دیده را تأمین می‌نماید. اصل کلی در مرحله تعقیب این است که تصمیم‌گیری درمورد

1. restitution  
2. compensation

تعقیب، با مقام تعقیب دادستان است، اما برای بزه‌دیده نیز حقوقی در این مرحله قابل تصور است.

آنچه به‌عنوان یک چالش در اینجا مطرح می‌شود این است که اقتدار مقام تعقیب، تا حدود زیادی از مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری می‌کاهد. این اقتدار در جرائم غیرقابل گذشت به‌طور کامل و جامع است و در جرائم قابل گذشت، علی‌رغم اینکه این اقتدار در ید و دست بزه‌دیده است، لیکن در عمل این‌گونه نیست و بزه‌دیده در این جرائم نیز تا حدود زیادی تابع مقام تعقیب و دادستان است. این مسئله زمانی جنبه چالشی بیشتری به خود می‌گیرد که توجه شود، در حالی که برخی از مزایا یا معافیت‌ها ممکن است به‌عنوان حقوق بزه‌دیده روی کاغذ در نظر گرفته شوند، اما اغلب فاقد هر گونه مکانیسم اجرایی هستند و ممکن است برای دادگاه‌ها یا سایر مقامات دولتی الزام آور تلقی نشوند (Doak, 2018: 5498).

از طرف دیگر، در ساختار تعریف‌شده برای شروع تعقیب کیفری، مقام مسئول در امر تعقیب کیفری باید همیشه در دسترس بزه‌دیده باشد. هرگونه ایجاد فاصله بین مقام تعقیب و بزه‌دیده، به کاهش مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب منجر خواهد شد. نظام عدالت کیفری باید همانند خدمات اورژانسی در تمامی ساعات شبانه‌روز و در تمامی مکان‌ها، در دسترس باشد. بزهکاری نیز مانند بیماری، ممکن است در هر زمانی اتفاق بیفتد. خدمات پلیسی باید شبانه‌روزی باشد و خدمات قضائی هم باید در حد پاسخ به نیازهای کیفری ضروری، ۲۴ ساعته باشد. دسترسی به عدالت کیفری باید برای تمام نقاط کشور فراهم شود. در چنین شرایطی است که امکان مشارکت بیشتر بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری فراهم می‌شود. توسعه قلمرو مکانی و زمانی مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب ترس وی را از نادیده گرفتن شکایت وی، به شدت کاهش می‌دهد. هر شکایتی باید توسط پلیس قضائی ثبت و به مقامات تعقیب ارسال شود. انجام شکایت باید به ساده‌ترین شکل ممکن و بدون ترتیبات رسمی باشد. یک نامه سفارشی یا حتی ارسال دورنگار، بدون توجه به اینکه جرم کجا واقع و یا بزه‌دیده کجا دیده شده است، کافی است. «یکی از تکالیف نظام عدالت کیفری نسبت به بزه‌دیده در کنار تضمین پذیرش محترمانه، فراهم کردن زمینه برای مشارکت وی در فرایند دادرسی است» (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۱۶۳). به همین دلیل، «سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی که برای طرح شکایت یا دعوا بلامانع هستند» (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۰۳) باید موجب تسهیل این حق شوند، لیکن امروزه متأسفانه به مانعی تبدیل شده‌اند. در مواردی به‌دلیل قطعی اینترنت، شکایتی ثبت نشده و به فردا موکول شده است.

نظام عدالت کیفری مناسب، نظامی است که کم‌ترین فاصله ممکن بین مقام تعقیب و بزه‌دیده وجود داشته باشد، در حالی که امروزه یکی از عوامل ایجاد دفاتر خدمات قضائی، پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانویه ناشی از تهدید بزه‌کار بر بزه‌دیده و پیشگیری از پیامدهای منفی ازدحام در مراجع قضائی بوده است

### ۲-۲-۲. غیرترافعی بودن برخی مراحل دادرسی کیفری

منظور از غیرترافعی بودن این است که در آن شاکی و متهم یا وکلای آنان به نحوی که در جریان دادرسی دادگاه‌ها می‌گذرد، به امر دفاع نمی‌پردازند، بلکه مکلفند به پرسش‌های مطروحه از سوی مقام تحقیق پاسخ گویند (آخوندی، ۲۰۱۳/۹: ۹)؛ به عبارت دیگر غیرترافعی بودن تحقیقات یعنی «عدم رویارویی طرفین با یکدیگر و تحقیق جداگانه از آن‌ها و سایر افراد» (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۶۸).

در عین حال، با وجود غیرترافعی بودن تحقیقات، بزه‌دیده، حق دسترسی به پرونده و مطالعه آن را داشته و می‌تواند از اوراق پرونده کپی بگیرد و وکیل یا وکلای خود را نیز معرفی کند و از این طریق، شکایت خود را پیگیری نماید.

### ۳-۲-۲. سری بودن برخی مراحل دادرسی

اگر بخواهیم اصلی سری بودن را به‌عنوان یکی از اصول راهبردی ناظر بر بزه‌دیده در دادرسی کیفری بدانیم، نمی‌توان یک حکم کلی و در تمامی موارد نسبت به بزه‌دیده در این خصوص صادر کرد. در مواردی نفع بزه‌دیده در سری بودن رسیدگی است و این بیشتر در مواردی است که بزه‌دیده، قربانی جرائم جنسی است، لیکن در سایر موارد که بزه‌دیده به دنبال اثبات وقوع جرم است، سری بودن به نفع وی نیست و بزه‌دیده تلاش می‌کند تا با توسل به هر راهکاری، مجرمیت متهم را ثابت کند. «سری بودن تحقیقات با حق دیگری که بعداً از آن صحبت خواهیم کرد که «مشارکت قربانیان در دادرسی‌های کیفری» است در تضاد است. حق مشارکت به‌طور کلی امری جدید است و دادرسی کیفری برخی از مراجع قضائی، امری نوین است. در محاکمات جنایی بین‌المللی تهیه کنندگان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصمیم گرفتند تا طرح مشارکت قربانیان نسبتاً گسترده‌ای را طراحی کنند» (Baumgartner, 2008: 409). در جمع بین این دو می‌توان گفت که حق مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی تا جایی ممکن است که به سری بودن لطمه‌ای وارد نکند و به عبارت دیگر، اصل سری بودن از اهمیت بیشتری برخوردار است.

### ۲-۲-۴. عدم ارائه اطلاعات لازم به بزه‌دیده از روند دادرسی

مقررات آیین دادرسی کیفری باید به گونه‌ای تدوین شود که با کم‌ترین هزینه ممکن، ضمن تسریع در امر دادرسی، و حتی‌الامکان در روزهای اولیه پس از ارتکاب جرم، خسارات و ضرر و زیان بزه‌دیده جبران و یا به‌طور چشمگیری کاهش یابد و یا حداقل هم‌دردی مؤثری از حیث عاطفی در ارتباط با رنج‌های او به عمل آید. «پیشگیری از تشدید بزه‌دیدگی به معنی اتخاذ بهترین تدابیر در فرایند دادرسی به‌منظور رفع یا کاهش آثار بزه‌دیدگی از خسارت‌های مادی، معنوی، عاطفی و احساسی ناشی از جرم به بزه‌دیده است» (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۵). بزه‌دیدگان به‌خصوص در جرائم خشونت‌بار جسمی و مالی و نیز تجاوزهای جنسی به‌عنف دچار افسردگی و التهاب روحی شدید هستند. ارائه اطلاعات لازم از سیر تعقیب و رسیدگی به شکایت آن‌ها در مراجع انتظامی و قضایی تأثیر به‌سزایی در ایجاد آرامش روحی و روانی ایشان، بستگان و آشنایانشان دارد.

این اطلاع‌رسانی نباید منحصر به زمانی شود که پرونده امر با صدور کیفرخواست به دادگاه ارسال و یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب در دادسرا شده است، زیرا مقامات انتظامی و تعقیبی در دادسرا، بزه‌دیده را باید همراه و همکار خود در تعقیب دعوی کیفری تلقی کنند. آن‌ها اساساً باید خود را موظف بدانند که در وهله نخست به ترمیم خسارات روحی-روانی و مادی بزه‌دیده که خسارت‌دیده مستقیم ارتکاب جرم است، همت گمارند. از همین رو، از همان لحظه ارتکاب جرم تا ختم قضیه باید تمام اطلاعات مربوط به تعقیب متهم در اختیار بزه‌دیده و یا وکیل او قرار گیرد تا مقامات مسئول از مساعدت آن‌ها برای کشف جرم و تکمیل تحقیقات برخوردار شوند (همان: ۱۹).

### ۲-۲-۵. استقلال مقام تحقیق از بزه‌دیده

برای بزه‌دیده مهم این است که مقام تحقیق تحت القانات متهم و یا وکیل وی قرار نگرفته باشد و تحقیقات را براساس واقعیات انجام دهد. استقلال مقام تحقیق دوجانبه است و نسبت به بزه‌دیده هم مستقل است. این استقلال در مواردی موجب کاهش مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری می‌شود و مقام تحقیق بدون توجه به مشارکت بزه‌دیده، به دنبال جمع‌آوری ادله مورد نظر خودش است. البته استقلال مقام تعقیب از بزه‌دیده به این معنا نیست که بزه‌دیده حق مشارکت در جمع‌آوری ادله را ندارد، بلکه بزه‌دیده تا جایی که منع قانونی وجود نداشته باشد، می‌تواند در تحقیقات به مقام تحقیق کمک کند. چالش در نادیده گرفتن این حق است.



## ۲-۲-۶. صوری بودن مشارکت بزه‌دیده

صوری بودن مشارکت بزه‌دیده یعنی اینکه نام بزه‌دیده وجود دارد، اما در عمل در دادرسی کیفری به بازی گرفته نمی‌شود. «مشارکت و حضور بزه‌دیده، در شروع دعای کیفری، نباید ساختگی و تشریفاتی، بلکه واقعی و فعال باشد» (کرباس فروش و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰). زمانی که شخصی به‌عنوان شاکی، تصمیم به طرح شکایت دارد، نباید بی‌مهابا و بدون در نظر گرفتن ملاحظاتی چنین کاری را انجام دهد. حق شکایت با یک مانع مهم روبه‌روست و این مانع این است که باید در مقابل شکایت‌های دروغین و بی‌پایه و اساس ایستادگی کرد. ادله مختلفی برای محدود کردن این حق راهبردی وجود دارد. نظم عمومی را می‌توان به‌عنوان «مبنای عقلی عدم طرح شکایات واهی نام برد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۷۷). در رابطه با مبنای شرعی عدم طرح شکایات واهی «می‌توان به قاعده لاضرر اشاره کرد» (گلدوست جویباری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). در رابطه با مبنای حقوق بشری عدم طرح شکایات واهی می‌توان به موضوع «تضمین امنیت و آزادی‌های اشخاص» (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۷۶) اشاره کرد. با جمع این مبانی می‌توان گفت: «افراد مکلفند به حقوق مادی و معنوی یکدیگر احترام بگذارند و دولت نیز موظف است اول آنکه با وضع قانون و تأسیس تشکیلات اداری و قضائی برای مردم ایجاد امنیت کند؛ دوم آنکه خود نیز با تسلیم در برابر اصل حاکمیت قانون، حقوق و آزادی‌های شهروندان را محترم شمرده و به آن تعرض نکند» (غفاری و عباسی کلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

در عین حال که حق شکایت و پیگیری آن به‌عنوان یکی از حقوق راهبردی بزه‌دیده به رسمیت شناخته می‌شود باید به محدودیت‌های این حق نیز توجه خاصی داشت. برخلاف بسیاری از حقوق در دادرسی کیفری که بین متهم و بزه‌دیده مشترک هستند، حق شکایت و پیگیری آن، مختص بزه‌دیده است. این حق فقط یک حق اعلامی نیست و دولت مکلف است تا زمینه و راهکارهای اعمال این حق و در دسترس بودن آن را نیز فراهم کند. حق شکایت، از جمله حقوقی است که باید در هر زمان از شبانه‌روز و همچنین در هر یک از روزهای هفته و روزهای تعطیل در دسترس باشد، زیرا که رفتار مجرمانه در هر زمانی ممکن است اتفاق افتد.

## ۲-۲-۷. اطاله دادرسی

نگرانی از اطاله دادرسی و عدم احقاق حق به موقع، به عدم مشارکت بزه‌دیدگان در آینده منجر خواهد شد و این یک معضل مدیریتی در ساختار تعقیب کیفری است. فرایند حل معضلات

پیچیده و چندبعدی این عرصه به یکی از اولویت‌های تدوین‌کنندگان ساختار تعقیب کیفری بدل شده است. این فرایند به الگوی «مدیریت‌گرایی یا مدیریت دولتی جدید (Hucklesby & Azrini, 2013:104) گرایش دارد. البته که نفوذ مدیریت‌گرایی به نظام عدالت کیفری به تدریج و کندتر از سایر بخش‌ها صورت گرفته و مهم‌ترین دلیل آن، زمینه‌های سازمانی و تفاوت فرهنگی در نهادهای نظام عدالت کیفری است. دادگاه‌ها با پذیرش نظام متمرکز و سلسله‌مراتبی، و نیز تخصص‌گرایی در این حوزه با ورود آموزه‌های مدیریت‌گرا به شدت مخالفت می‌کردند (Freiberg, 2003: 12)، ولی به تدریج الگوی مدیریت‌گرایی بر نظام عدالت کیفری حاکم شد و مهم‌ترین دلایل آن شامل: تشدید فشارهای ناشی از وقفه و انسداد به دلیل ناکارایی نظام‌های قضائی در کنترل جرم و جلب اعتماد عمومی؛ افزایش آمار جرم و ترس از جرم؛ اطاله دادرسی و هزینه‌های غیرمتعارف رسیدگی‌های کیفری است.

### ۳. راهکارها

افزایش مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، مستلزم ارائه راهکارهایی در جهت گذر از چالش‌های موجود بر سر راه مشارکت در دادرسی کیفری است.

#### ۳-۱. از بین بردن زمینه‌های ترس و شرم بزه‌دیده

نظام دادرسی کیفری مناسب می‌تواند با از بین بردن زمینه‌های این ترس و یا کاهش آن، به مشارکت بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری کمک زیادی کند. هرچند قطع ارتباط بین بزه‌دیده و متهم در دادرسی کیفری ممکن نیست و این حق متهم است که از هویت بزه‌دیده مطلع شود، لیکن غلبه بر ترس و شرم یا حداقل کاهش آن، از طرق ذیل امکان‌پذیر است. برای مثال در قانون حقوق قربانیان (۲۰۰۲) و نسخه ساده‌شده قانون، کد قربانیان (۲۰۱۵) نیوزیلند در خصوص مسئله ایمنی و از بین بردن ترس بیان می‌دارد که «خدمات باید به گونه‌ای ارائه شود که آسیب احتمالی را به حداقل برساند و ایمنی را در اولویت قرار دهد» (McGregor, 2019 : 2-5).

#### ۳-۱-۱. رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده و توجه به او

درست است که بزه‌دیده برای تعقیب کیفری متهم و جبران خسارات وارده به وی ناشی از رفتار مجرمانه به دستگاه عدالت کیفری پناه می‌برد، لیکن قبل از این دو، متوقع است که منزلت وی

توسط نظام عدالت کیفری حفظ و رعایت شود. چه‌بسا بزه‌دیدگانی که به دلیل تجارب قبلی از پایمال شدن منزلت آن‌ها در دستگاه عدالت کیفری و یا براساس شنیده‌هایی که از تجارب دیگران داشته‌اند و به‌منظور اجتناب از توهین به شخصیت آن‌ها در دستگاه عدالت کیفری، قید شکایت و تعقیب کیفری را زده‌اند و در مقام مقایسه بین تعقیب کیفری و جبران خسارات وارده به خودشان از یک طرف و حفظ شأن و منزلت خودشان، مورد دوم را انتخاب کرده‌اند. حمایت از بزه‌دیده باید از رهگذر احترام به شأن و منزلت انسانی وی صورت گیرد. هر عاملی که به این شأن و منزلت انسانی لطمه وارد می‌کند، باید اصلاح شود و بر این اساس رفتار همه کسانی که به‌گونه‌ای با بزه‌دیده در ارتباط‌اند باید «محترمانه، بی‌طرفانه، دلسوزانه و همراه با هم‌دردی و رازداری باشد. که این مهم وظیفه همه افراد، سازمان‌های دولتی و غیردولتی، ملی و بین‌المللی است» (بیژنی میرزا و شاملو، ۱۳۹۶: ۴۱). در ماده ۲۵ کنوانسیون سازمان ملل متحد آمده است: «دولت‌های عضو در حدود امکانات خود تدابیر مناسب برای کمک به قربانیان جرائم موضوع این کنوانسیون و حمایت از آنان به‌ویژه در مواردی که خطر انتقام‌جویی یا ارباب آنان وجود دارد، اتخاذ خواهند کرد».

در مواردی که «بزه‌دیده دچار بزه‌دیدگی شدید شده است یا قابلیت بزه‌دیدگی و آسیب‌پذیری بالایی دارد نیاز به تکریم بیشتری دارد» (ابراهیمی، ۱۳۸۴: ۲۹۴). این تکریم احتمال انتقام شخصی را به شدت کاهش می‌دهد. «چراکه انتقام‌های فردی اکثراً معلول ناکامی‌های بزه‌دیده در مراجعه به دستگاه عدالت کیفری است» (توجهی، ۱۳۸۳: ۶۲۰) و حمایت از بزه‌دیده، در این سطح، علاوه بر اینکه او را از بزه‌دیدگی ثانویه مصون نگاه می‌دارد، مانع انتقام‌های فردی و گسترش بزهکاری می‌شود.

احترام به کرامت انسانی یکی از حق‌های بنیادی بشر است که بر پایه آن، باید با انسان گذشته از باورها، رنگ، نژاد، متهم بودن یا نبودن، با احترام رفتار و شأن و منزلت انسانی او رعایت شود. بدیهی است که بزه‌دیده نیز از این اصل مهم مستثنا نیست. بازتاب این اصل حقوق بشری به مفهوم‌سازی رفتار دادگرانه<sup>۱</sup> در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی انجامید که یکی از ضلع‌های حق‌های بنیادی بزه‌دیدگان است. بر این پایه، رفتار با بزه‌دیدگان باید همراه با هم‌دردی و احترام به کرامت انسانی آنان باشد. برای مثال در قانون حقوق قربانیان (۲۰۰۲) و نسخه ساده‌شده قانون، کد قربانیان (۲۰۱۵) نیوزیلند هشت اصل کلیدی را توصیف می‌کنند که نحوه برخورد ارائه‌دهندگان با قربانیان را راهنمایی می‌کند یکی از این هشت اصل، اصل احترام به بزه‌دیده است مبنی بر اینکه

«احترام - ارائه دهندگان خدمات باید مؤدبانه و با شفقت با قربانیان رفتار کنند و به نیازها، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی، مذهبی، قومی و اجتماعی احترام بگذارند» (McGregor, 2019 : 2-5).

در آسیب‌شناسی احترام به منزلت بزه‌دیده در نظام دادرسی کیفری ایران، آنچه به‌عنوان آسیب جدی در این مرحله مطرح است، دو موضوع است. موضوع اول این است که قانون آیین دادرسی کیفری و سایر مقررات نتوانسته‌اند تعادل و توازن را در احترام به منزلت شاکی و متهم به‌طور یکسان در نظر بگیرند. در ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری و بندهای ۴، ۶، ۷ و ۹ و ۱۰ قانون حقوق شهروندی بر رعایت رفتار انسانی و کرامت‌مدار با متهم در تمام مراحل به‌ویژه در مرحله پلیسی تأکید شده است؛ در حالی که در مورد بزه‌دیده چنین تمهیداتی پیش‌بینی نشده» (بیژنی میرزا و شاملو، ۱۳۹۶: ۴۳). البته این کار قانونگذار می‌تواند ناشی از فرضی باشد که مورد تصور مقنن بوده است. این فرض این است که منزلت شاکی و بزه‌دیده حتماً رعایت می‌شود و این منزلت متهم است که به احتمال زیاد مورد خدشه قرار می‌گیرد و به همین دلیل بر رعایت منزلت متهم تأکید زیادی شده است. چه بهتر می‌بود که رعایت احترام و توجه به منزلت بزه‌دیده به‌صراحت در قانون آیین دادرسی کیفری لحاظ می‌شد.

آسیب دومی که در این خصوص وارد است، این است که منزلت بزه‌دیده به‌طور عملی در فرایند دادرسی کیفری و نزد پلیس، خدشه‌دار می‌شود. فقدان مقررات الزامی در آیین دادرسی کیفری در راستای لزوم رعایت منزلت بزه‌دیده، باعث شده است در عمل در برخی از موارد نگاه یکسانی به متهم و بزه‌دیده داشته باشند. مجموعه دستورالعمل‌های موجود، تحت عنوان «تکریم ارباب رجوع» که در واقع در بیشتر موارد ارباب رجوع به‌عنوان شاکی و بزه‌دیده به پلیس مراجعه می‌کند، توانایی لازم را برای رعایت منزلت بزه‌دیده را ندارند. «بی‌تردید پلیس با کنار نهادن شیوه‌های منسوخ دهه‌های پیشین، با رویکرد نو یا اجتماع‌گرایی و مشارکت‌مداری می‌تواند در راهبردهای حمایتی و خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم شرکت جسته و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان، عملی سازد» (منصوری نعلبندان، ۱۳۹۹: ۱۱۹). رعایت احترام بزه‌دیده تا حدود زیادی ترس از مشارکت را از بین می‌برد.

همچنین معضل و مشکل بزه‌دیده باید به‌عنوان مسئله‌ای در نظر گرفته شود که در نهایت توسط دستگاه نظام عدالت کیفری حل و فصل گردد. با وقوع جرم، بزه‌دیده به درون یک فاجعه مبهم و چندوجهی پرتاب می‌شود. او جایگاه و روابط اجتماعی خود را در جامعه از هم گسیخته می‌بیند و به‌دنبال احیای روابط خود با دیگران و بازیابی جایگاه سابق خود است. لذا، باید این امکان به وی

داده شود که مجدداً جایگاه قبلی خود را بازیابد و ترس وی از مشارکت در تعقیب کیفری، از بین برود.

### ۳-۱-۲. تأمین امنیت بزه‌دیده، خانواده و شهود

نظام عدالت کیفری باید بتواند تا امنیت بزه‌دیده را و به‌خصوص در مراحل اولیه که مرتبط با کشف جرم است، تأمین کند. در قوانین کیفری اعم از قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری به جز چند مورد، ترتیبات خاصی در جهت حفظ امنیت بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است» (زینالی و مقدسی، ۱۳۹۱: ۲۳۵).

بزه‌دیده از رفتار بزه‌کار، آسیب اولیه را دیده است و نباید آسیب ثانوی به وی وارد شود. یکی از حق‌های بزه‌دیده عبارت است از تأمین امنیت وی و حتی گواهان او در فرایند دادگستری جنایی. چاره‌اندیشی درباره این تدبیرها، یکی دیگر از راه‌های پاسخ‌گویی به نیازهای بزه‌دیدگان است. بحث امنیت بزه‌دیده در اسلام نیز مورد تأکید فراوانی قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) در فرمایش خود بر این نکته تأکید کردند: «هر کس به یک فرد هم‌پیمان ظلمی کند یا به وی صدمه‌ای بزند، یا او را وادار به انجام کاری فراتر از توانش کند، یا چیزی را بدون اینکه وی رضایت داشته باشد از او بگیرد، من در روز قیامت گواه و بازخواست‌کننده چنین کسی خواهم بود» (آبی داود، ۲۰۱۵: ۸/۳۰۴). فقها این حق را یکی از مقدس‌ترین وظایف دولت نسبت به هر یک از کسانی دانسته که در سرزمین خود برایشان امنیت ایجاد کرده است. تأمین امنیت بزه‌دیده، دست‌کم، نیازمند سه تدبیر زیر است:

در نظام‌های دادرسی، «اتخاذ سیستم تفتیشی در مرحله تحقیقات، معمولاً از برخورد مستقیم قربانی جرم و مرتکب آن پیشگیری می‌کند» (اسدی، ۱۳۹۲: ۲۱۸) تا آنجا که ممکن است، باید از رویارویی اجباری بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرایند جنایی جلوگیری کرد. راهکار مناسبی برای این کار است در این زمینه می‌توان به بخش چهارم قانون آیین دادرسی کیفری جدید سوئیس مصوب ۲۰۰۷ اصلاحی ۲۰۱۲ با عنوان اقدامات حمایتی (مواد ۱۴۹ - ۱۵۳) اشاره کرد که تدابیری ویژه برای حمایت از مأموران مخفی، شهود قربانیان جرائم جنسی، کودک بزه‌دیده، بزه‌دیدگان دارای معلولیت ذهنی در نظر گرفته است استناد کرد. ماده ۲۲ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق بیان می‌دارد: «دادگاه بین‌المللی باید در مقررات آیین دادرسی و ادله‌اش برنامه‌های حمایت از شهود و بزه‌دیده را مقرر دارد و چنین اقدامات و تدابیر حمایتی شامل رسیدگی غیرعلنی و ... می‌باشد».

یکی از تدبیرهای تأمین امنیت بزه‌دیده این است که تا جایی که امکان دارد باید از رویارویی بزه‌دیده یا گواهان او با متهم در فرایند دادگستری جنایی جلوگیری شود، زیرا صرف این رویارویی ممکن است یادآور آثار تلخ و منفی جرم و بزه‌دیدگی ناشی از آن برای بزه‌دیده یا گواهان او باشد. بزه‌دیده و شهود او اگر مورد حمایت واقع نشوند از هر طرف فشارهایی را متحمل می‌شوند که «در جهت پس گرفتن شکایت یا اقامه شهادت است» (کوشا و پاک‌نیت، ۱۳۹۶: ۳۶). حکم موضوع ماده ۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری باید به جرائم مهم محدود شود و در جرائم کم‌اهمیت که می‌تواند با استفاده از ضابطه «قابلیت گذشت» شناسایی شود، این ممنوعیت را برداشت (عظیم‌زاده و دژخواه، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

«تأمین امنیت بزه‌دیده نه تنها در گرو پیش‌بینی تدبیرهایی برای جلوگیری از ورود آسیب‌های احتمالی هنگام رویارویی با متهم است، بلکه فراتر از آن، در بردارنده تدبیرهایی مانند به‌کارگیری پلیس یا دیگر ضابطان دادگستری برای پیش‌گیری از تهدیدها یا انتقام‌جویی‌های متهم یا خانواده و دوستان او نسبت به بزه‌دیده است».<sup>۱</sup> بخش مهمی از این انتقام، ممکن است بعداً صورت گیرد و به همین دلیل حمایت از بزه‌دیده نباید به مراحل اولیه و کشف جرم منحصر شود.

سومین تدبیر تأمین امنیت بزه‌دیده این است که «نام، نشانی اقامتگاه، محل کار، شماره تلفن، و دیگر مشخصات بزه‌دیده را نباید فاش کرد و هرگونه تصمیمی در این باره را باید به دادگاه سپرد، زیرا افشا یا انتشار چنین اطلاعاتی ممکن است امنیت جانی یا روانی بزه‌دیده را به خطر بیندازد». برای مثال «در فرانسه تهدید و ارعاب بزه‌دیده برای انصراف از شکایت، یکی از جرائم علیه عدالت قضائی محسوب می‌شود و از این طریق بزه‌دیده با تضمین بیشتری به پیگیری روند تعقیب کیفری می‌پردازد» (کوشا، ۱۳۸۱: ۳۵)، در کانادا قانون قربانیان جنایات خود را در سال ۱۹۹۶ وضع کرده است که حقوق قربانیان را برای دسترسی به عدالت تعیین می‌کند. حقوق ذکرشده شامل حق قربانی با شفقت و وقار و اینکه او حق دارد حریم خصوصی خود را حفظ کند. همچنین به قربانی و خانواده‌اش این حق را می‌دهد که از آزار و اذیت و ارعاب ناشی از مجرم یا افرادش محافظت شوند (Raje, 2022 : 2-6).

نظام دادرسی کیفری ایران، فاقد توانایی لازم برای مراقبت از امنیت بزه‌دیده و خانواده وی است. شاید تنها راهکار مؤثر کنونی موجود در نظام دادرسی کیفری ایران، قرار بازداشت موقت است که این قرار نیز با محدودیت‌های فراوانی روبه‌روست.

1. Charter of Victims' Rights Resource Kit (2004), Lawlink: NSW, p. 14.

در مقابل، راهکارهای مناسبی برای تأمین امنیت شهود و مطلعان وجود دارد. قانونگذار صریحاً در ماده ۲۱۴ به حمایت عینی از شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی پرداخته است. در این راستا، آیین‌نامه‌ای مشتمل بر ۱۸ ماده و ۷ تبصره در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۶ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. از بارزترین تدابیر سازمانی در این آیین‌نامه، تأسیس واحدی تحت عنوان «واحد حمایت از امنیت شهود و مطلعان» در هر حوزه قضائی است که زیر نظر رئیس همان حوزه فعالیت می‌کند. مواردی که در این ماده و آیین‌نامه فوق مقرر شده است از نوآوری‌های بی‌بدیل حقوق کیفری ایران در زمینه حمایت از امنیت شهود، مطلعان و خانواده‌های آنان است (اختری و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۷:۱۰۷). آسودگی خاطر بزه‌دیده از تأمین امنیت شهود وی، راهکار مناسبی برای افزایش مشارکت وی در دادرسی کیفری است.

### ۳-۱-۳. تقویت مشارکت بزه‌دیده از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد

«مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری براساس اهداف این سازمان‌ها همیشه مورد مناقشه بود» (صبری، ۱۳۹۳:۲۳۵)، اما این سازمان‌ها می‌توانند با کمک به بزه‌دیده و کمک به شروع تعقیب کیفری بر ترس وی از مشارکت در شروع تعقیب کیفری غلبه کنند. با تصویب قانون جدید آیین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ قانونگذار دغدغه‌های جامعه حقوقی را مورد توجه قرار داده و در ماده ۶۶ قانون مذکور صراحتاً این نوع سازمان‌ها را به رسمیت شناخته است. «این ماده همسو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناختی در حقوق کیفری در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در این امر وضع شده است» (خالقی، ۱۳۹۸:۳۱۴).

سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری با موانع مهمی در عرصه مداخله در فرایند کیفری برای حمایت از بزه‌دیده، روبه‌رو هستند؛ از قبیل: «بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم کشور به‌منظور مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند کیفری موجود نیست» (عبداللهی، ۱۳۹۳:۱۱۹). در اسلام و فقه اسلامی طبق آیات ۲۵ و ۱۲۸ سوره نساء، آیه ۹۱ سوره مائده، آیه ۹ سوره حجرات و آیات فراوان دیگری بر مشارکتی بودن، میانجی‌گری، آشتی به صلح و عدالت که عمدتاً جزو کارویژه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد است تأکید فراوانی دارد. براساس بند دوم ماده ۱۵ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در مواردی که دادستان رأساً و براساس اطلاعات مکتسبه تحقیقات را آغاز و اهمیت اطلاعات دریافتی را ارزیابی می‌کند، در این مرحله می‌تواند از جمله مساعدت و کمک سازمان‌های غیردولتی را تقاضا کند. در فرانسه به موجب اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۰ به‌وجود آمد و نیز براساس ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری،

در صورت وقوع یکی از جرائمی که امکان همراهی و معاضدت این سازمان‌ها در مورد آن‌ها وجود دارد، دادستان می‌تواند این سازمان‌ها را از وقوع این جرائم آگاه کند تا بزه‌دیدگان از کمک و همراهی آن‌ها برخوردار شوند (وروایی و محمدی، ۱۳۹۵: ۳۲). همچنین در ایران، بین شکل‌گیری نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد و فرایند فعالیت آن‌ها فاصله زیادی وجود دارد.

### ۲-۳. مشارکت از طریق عدم تعقیب کیفری

در آن دسته از جرائمی که تعقیب کیفری به حیثیت و آبروی بزه‌دیده در جامعه آسیب وارد می‌سازد، این حق بزه‌دیده است که در تعارض بین دو منفعتی که برای وی متصور است، عدم تعقیب کیفری را انتخاب کند. از یک طرف بزه‌دیده از ارتکاب رفتار مجرمانه، آسیب‌های شدیدی دیده است که جبران بخشی از آن از طریق تعقیب کیفری بزه‌کار ممکن است و از طرف دیگر اقدام و مشارکت در شروع تعقیب کیفری به آبروریزی برای وی منجر شده است و به همین دلیل از طرح دعوی کیفری شرم و حیا دارد، لذا نسبت به آن اقدام نمی‌کند.

دلایل عدم آشکارسازی بزه‌دیدگی متعدد است، خصوصاً در مواردی که طرح شکایت موجب محکومیت و مورد سرزنش قرار گرفتن خود فرد شود. این وضعیت در برخی از جرائم شدیدتر است. در این میان، بزه‌دیدگی زنان در جرم تجاوز جنسی از مصادیق بارز جرائمی است که رقم سپاه آن در آمار جنایی بسیار بالاست. «تنها زمانی می‌توان حداکثر مبارزه با تجاوز را به عمل آورد که برای بزه‌دیدگان تجاوز جنسی، جایگاهی اجتماعی قائل شد» (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۱۳۵) و تا زمانی که این دسته از بزه‌دیدگان با نگاه نامناسب جامعه روبه‌رو هستند، این عدم مشارکت نیز مشاهده می‌شود. این حق به‌طور مناسبی به بزه‌دیدگان در نظام حقوقی ایران داده شده است.

### ۳-۳. کمک به حفظ هویت و آبروی بزه‌دیده در صورت مشارکت در دادرسی کیفری

از دیگر حقوق و نیازهای بزه‌دیده، حفظ هویت و آبروی او در صورت مشارکت در شروع تعقیب است. این نیاز مخصوص بزه‌دیده نبوده، بلکه هویت و آبروی نزدیکان و بستگان او نیز نیازمند حفاظت است. در برخی موارد، افشای هویت بزه‌دیده، خطراتی برای جان او یا بستگانش به دنبال خواهد داشت، یا موجب ورود صدماتی به حیثیت و آبروی وی و بستگانش می‌شود (ملکشاهی و انصاری، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

تضمین حفظ رازداری از سوی تمام کارکنان مراجع قضائی، در تمام مراحل لازم است. «آموزش لازم به کارکنان در این خصوص، موجب تأمین بهتر حقوق بزه‌دیدگان و نیز جلب اعتماد



آنان می‌شود. افشای هویت بزه‌دیده برای طرف دعوا در تمامی موارد ضرورت ندارد و قضات با توجه به شرایط هر دعوا، اقدامات لازم را برای عدم ایجاد لطمه به حقوق متهم اتخاذ خواهند کرد» (رضوی فرد و فقیه‌محمدی، ۱۳۹۰: ۲۲۸). بنابراین یکی از ابزارهای لازم جهت حفظ هویت بزه‌دیده استفاده از نام مستعار است. استفاده از اسم مستعار برای ادای شهادت در مواد ۷۵ و ۶۹ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا پیش‌بینی شده بود. علاوه بر این، براساس بند (د) ماده ۳-۸۷ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی «قاضی می‌تواند در صورت ضرورت اجازه استفاده از نام مستعار را برای شاهد و هر شخصی که به واسطه شاهد در معرض خطر قرار می‌گیرد بدهد». استفاده از اسم مستعار برای شاهد به دلیل هزینه‌بردار نبودن برای شاهد و دولت از یک سو، و به زحمت نیفتادن شاهد برای ادای شهادت از سوی دیگر، می‌تواند به‌عنوان یکی از شیوه‌های مؤثر مورد استفاده قرار گیرد.

از آنجا که پلیس اولین گروه از مقامات عدالت کیفری است که بزه‌دیده با آن مواجه می‌شود، «رفتار کرامت‌مدار پلیس و هم‌دردی با بزه‌دیده در ایجاد آرامش و امنیت برای وی حائز اهمیت خاصی است» (رایت، ۱۳۸۴: ۶۱). افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است. این حق علاوه بر مرحله تحقیقات مقدماتی، در سایر مراحل رسیدگی نیز به رسمیت شناخته شده است. در آسیب‌شناسی، مکتوم ماندن هویت و اسرار کنشگران دعوی کیفری و از جمله بزه‌دیدگان، نظام ابلاغ الکترونیکی تا حدود زیادی این مشکل را حل کرده است، در بند ۲ ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مقرر شده است: «دادگاه ممکن است ... اجازه دهد که ادای شهادت از طریق وسایل الکترونیکی و یا دیگر وسایل (به‌منظور حمایت از شاهد) انجام گیرد». در ماده ۳-۸۷ آیین‌نامه دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی نیز بیان شده است: «دادگاه بدوی ممکن است در مورد درخواستی که دریافت می‌دارد دستور دهد ... بایستی تدابیری اتخاذ نماید یا خیر...».

ج) شهادت توسط وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ادا شود و این تدابیر شامل استفاده از تکنولوژی صوتی و تصویری مخصوصاً کنفرانس‌های ویدئویی و تلویزیون مداربسته و استفاده انحصاری از رسانه‌های صوتی، استفاده از ابزار و وسایلی که باعث تغییر چهره می‌شوند، می‌باشد (...). در ماده ۲۴ کنوانسیون مبارزه با جنایات سازمان‌یافته فراملی نیز در بند (ب) به‌منظور حمایت از شهود مقرر شده است «تدوین مقرراتی که امکان ادای شهادت به شیوه‌ای که ایمنی شهود تضمین گردد فراهم شود، مثلاً اجازه ادای شهادت با استفاده از فناوری ارتباطات، ویدئویی و یا

دیگر وسایل مناسب از آن جمله‌اند». در کنوانسیون مبارزه با ستاد مالی نیز این شیوه حمایتی مدنظر قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

لیکن امکان دسترسی به اطلاعات بزه‌دیده در سامانه‌های موجود توسط اشخاص و مقاماتی که در پرونده مربوطه فاقد سمت هستند، از آسیب‌های جدی این حوزه است. مضاف بر اینکه تمهیدات لازم برای پیشگیری از افشای هویت و سایر اطلاعات مربوط به بزه‌دیدگان توسط اشخاصی که به‌طور قانونی حق دسترسی به این اطلاعات را دارند، پیش‌بینی نشده است.

### ۴-۳. حذف واسطه‌های بین بزه‌دیده و مقامات دادرسی کیفری

اشخاص غیرقضائی واسطه بین بزه‌دیده و مقامات تعقیب، مانع مهمی بر سر راه مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری است. این حق بزه‌دیده است که ارتباط مستقیمی با دادستان و یا جانشین وی داشته باشد و شکایت خود را که در واقع شروع تعقیب کیفری است، با این مقام در میان گذارد. اعتمادی که به خود مقام قضائی مسئول در امر تعقیب وجود دارد، نسبت به سایر مقامات و اشخاص که غیرقضائی هستند، از قبیل پلیس، کارکنان دادگستری و کارکنان دفاتر خدمات قضائی وجود ندارد. هیچ تضمینی وجود ندارد که اطلاعات مربوط به بزه‌دیدگی شخص توسط این کارکنان و اشخاص، افشا شود.

### ۵-۳. ارتقای دانش حقوقی ضابطان و کارکنان

اگر صلاحیت‌های عمومی و اخلاقی ضابطان و کارکنان را مفروض بدانیم و از این جهت مشکلی وجود نداشته باشد، این یک واقعیت است که هم ضابطان و هم کارکنان (دادگستری و دفاتر خدمات قضائی) فاقد دانش حقوقی لازم برای ارتباط بزه‌دیده در شروع تعقیب کیفری هستند. درست است که این اشخاص به تدریج و در اثر تجربه و آموزش و غیره اطلاعاتی در مورد تعقیب کیفری پیدا می‌کنند، لیکن فاقد دانش حقوقی لازم هستند. چالش مهمی که در وضعیت حاضر وجود دارد این است که بزه‌دیده در بیشتر موارد برای شروع تعقیب کیفری، با اشخاصی روبه‌رو می‌شود که فاقد دانش حقوقی لازم هستند. رفع این چالش از طریق تعریف نظام مناسب آموزشی برای ضابطان و کارکنان مراجع قضائی کیفری و ارتقای دانش حقوقی آن‌ها فراهم می‌شود.

1. See. The United Nation Convention against Corruption, Art 32(b).

### ۳-۶. کاهش اقتدار مقام تعقیب و افزایش نقش بزه‌دیده

در راستای گذر از این چالش، قانون آیین دادرسی کیفری به همراه برخی قوانین دیگر و از جمله قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ ضمن کاهش اقتدار مقام تعقیب در شروع امر تعقیب، با افزایش نقش بزه‌دیده، امکان مشارکت فعال وی را در شروع و ادامه تعقیب کیفری، بیشتر فراهم کرده‌اند (روستایی و رحمانیان، ۱۴۰۰: ۱۴۶). در اصلاحات اخیر جرائم جدیدی به فهرست جرائم قابل گذشت اضافه شده و قلمرو این جرائم افزایش یافته است. مطابق ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس (ناظر به ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی) جرائم ذیل که قبلاً جرم عمومی تلقی می‌شوند و بدون شکایت شاکی خصوصی، با شکایت مدعی‌العموم قابل تعقیب و پیگیری بودند، دیگر جنبه عمومی ندارند و صرفاً با شکایت شاکی قابل تعقیب هستند و با انصراف یا گذشت وی نیز متوقف می‌شوند (گرامی، ۱۳۹۹: ۱۵).

قانون آیین دادرسی کیفری نیز با پذیرش حق بزه‌دیده در تداوم تعقیب در جرائم قابل گذشت و با توسعه قلمرو جرائم قابل گذشت و تعمیم آن به جرائم مهم در «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹» نقش بزه‌دیده در صدور قرار موقوفی تعقیب را افزایش داده است. همچنین قرار ترک تعقیب در راستای گسترش نهادهای هم‌سو با عدالت ترمیمی و بر مبنای اصل متناسب بودن تعقیب (مقتضی بودن تعقیب) مورد تصویب مقنن قرار گرفته است (بهادران و آقاسی، ۱۳۹۹: ۹۳). حقوق بزه‌دیده در بایگانی پرونده به خوبی رعایت شده است، زیرا در مواردی ممکن است که شاکی خصوصی وجود نداشته یا اگر پرونده دارای شاکی است، وی باید گذشت خود را اعلام کرده باشد. گذشت شاکی خصوصاً نیز زمانی اعلامی می‌شود که متهم، رضایت وی را به نحوی جلب کرده باشد و از جمله خسارات وارده به وی را جبران کرده باشد.

### ۳-۷. کاهش اطاله دادرسی

شاید بتوان گفت که یکی از مهم‌ترین چالش‌های کاربرد مدیریت‌گرایی در حوزه عدالت کیفری که در عرصه نظریه و عمل توجه اندیشمندان و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است، چگونگی تعادل‌بخشی و توازن میان دغدغه‌های مدیریتی و ملاحظات تحقق عدالت است. در چشم‌اندازی کلان، افزایش بهسازی قضائی مستلزم استفاده درست از منابع و امکانات و وقت محدود، برای ساماندهی حجم زیادی از پرونده‌های کیفری است. پرسش اساسی در مواجهه با شاخص‌کارایی در برنامه‌های اصلاحی نظام عدالت کیفری، پرسش از اهداف این نظام است. به

عبارت دیگر، آیا می‌توان در دهه‌های اخیر با توجه به سیطره مفهوم صرفه‌جویی، کارایی<sup>۱</sup> و اثربخشی بر فرایند کیفری، ادعای بازتعریف هدف اصلی نظام عدالت کیفری یعنی تحقق عدالت را داشت؟ در این بین چنانچه «مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری» را به‌عنوان یک متغیر در نظر بگیریم، این متغیر به‌طور کامل به نوع این نظام مدیریت وابسته است. عدم رسیدگی به شکایت بزه‌دیده در مهلت معقول و مناسب، به یک عامل منفی در اعتماد به ساختار تعقیب کیفری تبدیلی می‌شود و بزه‌دیده به‌خصوص اگر دارای تجارب قبلی از اطاله دادرسی در مرحله دادرسی کیفری باشد، اعتماد خود را به این سیستم از دست می‌دهد و حاضر به مشارکت در دادرسی کیفری نخواهد بود، در چنین وضعیتی راهکار کاهش اطاله دادرسی کیفری به مشارکت بیشتر وی در دادرسی کیفری منجر خواهد شد.

### ۸-۳. ایجاد واحد اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان

یکی از جلوه‌های حق آگاهی یافتن، «حق مشاوره است» (بیژنی میرزا و شاملو، ۱۳۹۶: ۴۵). حق مشاوره یعنی آگاهی دادن باید ماهیت تفهیمی داشته باشد و صرفاً اطلاعات خامی به‌صورت بروشور به بزه‌دیده ارائه نشود. وجود میز خدمت حضوری یا تلفنی و از راه دور که یک شخص مطلع و آگاه، اطلاعات را به‌صورت توجیهی به بزه‌دیده بدهد و پاسخ‌گوی سؤالات احتمالی بزه‌دیده باشد، به معنای ایجاد صحیح چنین حقی است. در اسلام نیز دفاع از بزه‌دیده و اطلاع‌رسانی به آن جزو آیین دادرسی عادلانه ذکر شده است، برای مثال امام علی (ع) در همه قضاوت‌های خود دفاع متهمان را می‌شنیدند و به آنان حق دفاع می‌دادند، حتی به شریح قاضی فرمان می‌دادند که برای حفظ حق مدعی علیه حتی با وجود بینه با برگرداندن قسم به مدعی قضاوت را مؤکد کند. همچنین به شریح فرمان می‌دادند که کسی که مدعی است شهودی دارد که غایب است یا دلیلی دارد که در آینده می‌تواند ارائه کند مهلت دهد و سپس حکم را صادر کند (ابوالعینین، ۲۰۰۶: ۶۱).

مجموعه دستورالعمل‌های موجود، تحت عنوان «تکریم ارباب رجوع» که در واقع در بیشتر موارد ارباب رجوع به‌عنوان شاکی و بزه‌دیده به پلیس مراجعه می‌کند، توانایی لازم را برای رعایت منزلت

۱. کارایی نسبت برونداد واقعی به‌دست آمده به برونداد استاندارد موردانتظار است و نشان می‌دهد برای دستیابی به نتایج چقدر از منابع استفاده درست شده است. حال آنکه اثربخشی میزان دستیابی به اهداف است و نشان می‌دهد مجموعه‌ای از نتایج چقدر درست به‌دست آمده است.

بزه‌دیده ندارند. «بی‌تردید پلیس با کنار نهادن شیوه‌های منسوخ دهه‌های پیشین، با رویکرد نو یا اجتماع‌گرایی و مشارکت‌مداری می‌تواند در راهبردهای حمایتی و خدمات‌رسانی به بزه‌دیدگان به صورت مستقیم و غیرمستقیم شرکت جسته و نقش مؤثر و قابل توجه خود را در تحقق عدالت برای بزه‌دیدگان، عملی سازد» (منصوری نعلبندان، ۱۳۹۹: ۱۱۹) و نقطه شروع این حرکت نیز توجه به منزلت بزه‌دیده است. مقررات مربوط به تکریم ارباب رجوع در زمان مراجعه به پلیس، برای ایجاد این منزلت کفایت نمی‌کند و لازم است تا توجه به منزلت شاکی و بزه‌دیده به‌طور صریح در قانون آیین دادرسی مدنی، قید شود. برای مثال، قانون حقوق قربانیان نیوزیلند (۲۰۰۲) که در سال ۲۰۱۴ مورد بازنگری مجدد قرار گرفت بر تقویت قوانین موجود در راستای حمایت بهتر از قربانیان، گسترش چتر حمایتی حقوق قربانیان، فرصت‌های بیشتر برای مشارکت قربانیان در فرایندهای عدالت کیفری و اطمینان از اینکه قربانیان بهتر از حقوق خود مطلع شوند تأکید کرده است (McGregor, 2019 : 3-6).

بر مبنای همین رویکرد به بزه‌دیدگی، طرح و ثبت شکایت بزه‌دیده ویژگی‌هایی دارد: هر شکایتی باید توسط پلیس قضائی ثبت و به مقامات تعقیب ارسال شود. انجام شکایت باید به ساده‌ترین شکل ممکن و بدون ترتیبات رسمی باشد. یک نامه سفارشی یا حتی ارسال دورنگار، بدون توجه به اینکه جرم کجا واقع و یا بزه‌دیده کجا دیده شده است، کافی است. برای آنکه وقوع هر جرمی به اطلاع دادگستری برسد، لازم است که بزه‌دیدگان در اقامه شکایت خود مورد حمایت قرار گیرند، با احترام مورد پذیرش واقع شوند و از طریق مراکز پلیس نسبت به حقوق خود اطلاع پیدا کنند. «یکی از تکالیف نظام عدالت کیفری نسبت به بزه‌دیده در کنار تضمین پذیرش محترمانه، فراهم کردن زمینه برای مشارکت وی در فرایند دادرسی است» (سماواتی پیروز، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

### ۹-۳. تخصصی و مستقل شدن نهاد کشف جرم در ایران

بخش مهمی از عدم مشارکت بزه‌دیدگان در دادرسی کیفری به مرحله کشف جرم برمی‌گردد. مشارکت در این مرحله، منوط به این است که ضابط قضائی در انجام تحقیقات از یک استقلال نسبی برخوردار باشد، در ایران که ضابط قضائی، فاقد هرگونه استقلالی است و به‌طور کامل تابع نظر مقام قضائی است، نمی‌توان توقع داشت تا چنین حقی به منصف ظهور برسد. از طرف دیگر اعتبار گزارشات که ضابطان دادگستری تهیه می‌کنند، همیشه زیر سؤال است و به خودی خود اعتبار چندانی ندارد. ایجاد یک نهاد مستقل برای تحقیقات و گردآوری ادله اثباتی را به‌عنوان یکی

از معیارهای لازم برای مقابله با جرائم، پیشنهاد داده‌اند،<sup>۱</sup> که اعطای چنین اختیاراتی به پلیس در ایران می‌تواند راهگشا باشد. «به همان میزان که استقلال نهاد کشف جرم برای عدالت کیفری ضروری است، استقلال مأمور کشف جرم نیز برای اجرای اقدامات مرتبط با کشف جرم ضروری است. اگر مأمور کشف جرم مستقل نباشد، نمی‌تواند اقدامات مرتبط با کشف جرم را بدون جانبداری و به صورت مستقل اجرا کند». در ایران نظام حاکم بر ضابطان قضائی برای حصول به این مرحله نیازمند چند تغییر اصلی و اساسی است. در درجه اول باید، ضابطان دادگستری مسئول در کشف جرم و تحقیق تخصصی شده و آموزش دیده باشند. در این خصوص در برخی از حوزه‌ها مانند پلیس فتا، این اتفاق صورت گرفته است که در تضمین حقوق بزه‌دیدگان فضای مجازی نقش مهمی را در این سال‌ها داشته است. در مرحله دوم، «غیرقابل تغییر بودن کشف جرم و سوم آزادی عملکرد مأمور کشف جرم در گردآوری ادله اثباتی و شناسایی متهم است» (افراسیابی و علایی، ۱۳۹۸: ۲۰۹). با این حال عوامل دیگری با عنوان سازوکار انتخاب کشف جرم و توزیع تصادفی و غیرقابل استرداد پرونده‌ها به کاشفان جرم نیز برای استقلال عملکرد آن‌ها مهم است. مشارکت بزه‌دیدگان در این مرحله منوط به ایجاد چنین تغییرات ساختاری در ضابطان دادگستری در ایران است.

### ۳-۱۰. جبران خسارت مالی و مادی به بزه‌دیده

توجه به جنبه مالی و جبران خسارت یکی از مهم‌ترین راهکارهای حمایت از بزه‌دیده در اسلام، عرف و نرم جهانی و بین‌المللی است که جنبه بسیار مهمی به خود گرفته و می‌تواند به نوعی مکمل بقیه راهکارهای مطرح شده در فوق باشد. در راستای حمایت جسمانی و پرداخت خسارت می‌توان به آیه ۳۲ سوره مائده «... مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا...» استناد کرد، آنجا که بیان می‌کند ترمیم خسارت‌های مادی و معنوی بزه‌دیدگان را مانند احیای تمام بشریت دانسته است (افضلی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۸). در اسناد بین‌المللی نیز به این مهم توجه جدی شده است. در ماده ۲۵ کنوانسیون پالرمو در قالب ۳ بند مختلف حمایت از بزه‌دیدگان را در ۳ عرصه توصیه کرده است: ۱. حمایت از قربانیان به‌ویژه در مواردی که خطر انتقام‌جویی یا ارباب‌ان‌ها وجود دارد (بند ۱)؛ ۲. جبران خسارت ناشی از جرم و اعاده وضعیت سابق آنان (بند ۲)؛ ۳. تعقیب کیفری و مکافات دادن مجرمان و بررسی نظرات و نگرانی‌های قربانیان در مراحل مناسب دادرسی کیفری

۱. راهنمای پیشگیری کشف و تحقیقات جرم کلاهبرداری، ۲۰۰۷

علیه مجریان (بند ۳). در انگلستان یک طرح قانونی برای جبران خسارت قربانیان تحت طرح جبران صدمات جنایی<sup>۱</sup> خود در سال ۱۹۶۴ و غرامت توسط مجرم براساس قانون عدالت کیفری<sup>۲</sup> خود در سال ۱۹۷۲ ارائه شده است. دادگاه عالی ایالات متحده نیز در پرونده پین علیه تنسی، برای اولین بار حقوق قربانی یک جنایت را به رسمیت شناخت. حقوق قربانیان و عدالت ترمیمی برای آن‌ها به یک جنبه ضروری از سیستم قضائی آمریکا تبدیل شده است. یک پانل تأثیر قربانی تشکیل می‌شود که در آن قربانی پس از محکومیت مجرم را ملاقات می‌کند و به او می‌گوید که چگونه عمل او بر او تأثیر گذاشته است و سپس درخواست ترمیم می‌کند (Raje, 2022 : 2-5).

در حقوق ایران نیز در بند «ت» ماده ۱ از قانون «آیین‌نامه اجرایی حمایت از شهود و مطلعان» ضرر مالی: «هرگونه صدمه به اموال یا حقوق مالی» را مطرح می‌کند. از این رو در تفسیر این ماده و بند «ت» آن می‌توان بیان داشت که پرداخت خسارت به شاهد در صورتی که وی متحمل خسارتی شده باشد و از دادگستری تقاضای جبران خسارت نیز کرده باشد، از جمله شیوه‌های حمایتی غیرکیفری است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. نکته بسیار بااهمیت در بند «ج» ماده ۱۷ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد است، هر چند این ماده مستقیمی به بزه‌دیده اشاره ندارد، اما در تفسیر آن می‌توان چنین موضوعی را استنباط کرد مبنی بر اینکه «جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد»، پیش‌بینی شده است. «در این صورت دولت جانشین زیان‌دیده محسوب و می‌تواند خسارت پرداخت‌شده را مطالبه نماید». حتی در راستای جلوگیری از وارد آمدن هرگونه خسارت مادی به بزه‌دیده به دلیل ادای شهادت در بند «د» ماده مذکور آمده است: «هرگونه رفتار تبعیض‌آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن قبل از موعد، تغییر وضعیت، جابه‌جایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایا نسبت به مخبر، گزارش‌دهنده و منبع که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی‌صلاح قانونی منعکس نموده باشند، ممنوع است».

---

1. Criminal Injuries Compensation Scheme  
2. Criminal Justice Act

### نتیجه

تحت تأثیر توسعه جوامع انسانی و به تبع آن قواعد حقوقی، نظام کیفری نیز دچار نوعی تحول و تغییر در راستای گذار از عدالت کیفری سنتی و رسیدن به عدالت ترمیمی شده است که در آن توجه به بزه‌دیده و رعایت جایگاه حقوقی آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. نمود بارز این تحول در قالب تدوین و تصویب قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و اصول راهبردی خود را نشان داده که جهت‌گیری همه آن‌ها به سمت تقویت موقعیت بزه‌دیدگان و جبران خسارت وارده به آنان و تا حد امکان اعاده وضع سابق برای بزه‌دیدگان بوده است که از آن به نام ترافیکی کردن رسیدگی یاد می‌شود که ضمن تأکید بر حقوق متهم، به حقوق بزه‌دیده نیز توجه می‌شود که یکی از مؤلفه‌های اصلی و کلیدی آن مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی است. این مشارکت در درجه اول از قابل گذشت بودن و یا نبودن جرم، متأثر است و در جرائم قابل گذشت، شروع تعقیب کیفری به خواست و اراده بزه‌دیده وابسته است. صرف وجود اجازه قانونی برای مشارکت بزه‌دیده به معنای مشارکت وی در شروع تعقیب کیفری نیست. در موارد متعددی بزه‌دیده به دلایل شخصی از مشارکت در دادرسی کیفری امتناع می‌ورزد. در این خصوص ترس بزه‌دیده از جهات مختلف و از جمله ترس از انتقام بزه‌کار نسبت به خودش یا خانواده و یا شهود؛ ترس از اینکه به دلیل کوتاهی‌ها و یا قصور بزه‌دیده، وی مورد تمسخر مقامات تعقیب قرار گیرد؛ ترس از ناتوان به نظر رسیدن و ناتوانی در مقابله با موقعیت‌های دشوار؛ شرم و حیای بزه‌دیده از مشارکت در تعقیب کیفری در جرائم جنسی و جرائم علیه اخلاق و عفت عمومی؛ عدم آگاهی بزه‌دیده از فرایند دادرسی کیفری و نتایج آن؛ و ناتوانی‌های روحی و جسمی بزه‌دیده از مهم‌ترین چالش‌های عدم مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری هستند. در حوزه چالش‌های ساختاری، ایجاد فاصله بین مقام تعقیب و بزه‌دیده، اقتدار مقام تعقیب در مدیریت فرایند تعقیب و اطلاع در شروع تعقیب کیفری از مهم‌ترین چالش‌های موجود هستند. نظام دادرسی کیفری ایران، از یک طرف با دادن نقش بیشتر به بزه‌دیده سعی در افزایش مشارکت وی در دادرسی کیفری داشته است؛ لیکن در حوزه چالش‌های شخصی مرتبط با بزه‌دیده، راهکارهای عملی مؤثری را ارائه نمی‌دهد و به همین دلیل بخش مهمی از جرائم ارتكابی به دلیل عدم مشارکت بزه‌دیده در دادرسی کیفری، به تعقیب کیفری منجر نمی‌شوند. افزایش مشارکت بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری از طریق: از بین بردن زمینه‌های ترس و شرم بزه‌دیده با رعایت احترام به منزلت بزه‌دیده و توجه به بزه‌دیده، تأمین امنیت بزه‌دیده، خانواده و شهود بزه‌دیده، تقویت مشارکت بزه‌دیده از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد، تأمین مشارکت از طریق عدم تعقیب کیفری به خواست بزه‌دیده، کمک به حفظ هویت و آبروی بزه‌دیده در صورت مشارکت در دادرسی کیفری، حذف واسطه‌های بین



بزه‌دیده و مقامات دادرسی کیفری، ارتقای دانش حقوقی ضابطان و کارکنان، کاهش اقتدار مقام تعقیب و افزایش نقش بزه‌دیده، کاهش اطاله دادرسی، ایجاد واحد اطلاع‌رسانی به بزه‌دیدگان و تخصصی و مستقل شدن نهاد کشف جرم در ایران، ممکن است.

## منابع

## الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۰)، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴)، «بزه‌دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲-۵۳.
- اسدی، لیلیاسادات (۱۳۹۲)، حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی، تهران: سمت.
- اسکامبلر، گراهام (۱۴۰۰)، جامعه‌شناسی شرم و سرزنش: خودی‌ها در مقابل غیرخودی‌ها، ترجمه محمد نجاری، تهران: شورافرین.
- اشتراوس، لئو (۱۳۹۳)، حقوق طبیعی و تاریخ، ترجمه باقر پرهام، تهران: آگاه.
- اعتمادی، امیر و سیدمحمد حسینی (۱۳۹۶)، «ایجاد ترس از اعمال خشونت به‌مثابه تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، در نظام‌های کیفری ایران و انگلستان»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۱.
- افراسیابی، علی و حسین علایی (۱۳۹۸)، «استقلال نهاد کشف جرم در نظام رسیدگی کیفری ایران»، پژوهش‌های دانش انتظامی، شماره ۳.
- اختری، عباس و حسنعلی مؤذن‌زادگان (۱۳۹۷)، «بررسی رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) به حقوق شاهد و مطلع در مرحله تحقیقات مقدماتی و میزان انطباق آن با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای»، پژوهش‌های جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۲.
- افضل‌ی و همکاران (۱۴۰۰)، «الگوی میانجی‌گری در دادرسی بزه‌دیده - بزهکارمحور در نظام حقوقی ایران و اسلام»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۲۴.
- براون، برنی (۱۳۹۸)، جامعه‌شناسی شرم و سرزنش: خودی‌ها در مقابل غیرخودی‌ها، ترجمه سهیلا خسروی، تهران: شباهنگ.
- بیژنی میرزا، طیبه و باقر شاملو (۱۳۹۶)، «دادرسی ترافعی در پرتو بزه‌دیده‌شناسی اولیه در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، شماره ۳۶.
- تدین، عباس و زینب باقری‌نژاد (۱۳۹۹)، «هستی‌شناسی اصول بنیادین دادرسی کیفری»، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۳۳.
- توجهی، عبدالعلی (۱۳۸۳)، «اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست جنایی تقنینی ایران»، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری (صلاحیت، مراجع رسیدگی، ترتیبات صدور حکم و اعتراض به آراء، ادله اثبات دعوا و اجرای احکام)، تهران: جنگل، جاودانه.
- خالقی، علی (۱۳۹۸)، آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- رایت، مارتین (۱۳۸۴)، حقوق و نیازهای بزه‌دیدگان در فرایند عدالت کیفری، جرم بزه‌دیدگان و عدالت، ترجمه امیر سماواتی پیروز، تهران: خلیلیان.

- رضوی فرد، بهزاد و حسن فقیه محمدی (۱۳۹۰)، «تکامل حقوق بزه‌دیدگان از منظر مقررات موضوعه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، نشریه مرکز امور حقوقی ریاست جمهوری، شماره ۴۵.
- روستائی، مهرانگیز و حامد رحمانیان (۱۴۰۰)، «مدنی‌سازی حقوق کیفری در پرتو قانون کاهش مجازات حبس تعزیری»، *حقوقی دادگستری*، شماره ۱۳۳.
- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۵)، *عدالت ترمیمی: تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن*، تهران: نگاه بینه.
- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۹)، *دائرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات مؤسسه کیهان.
- شیری، عباس (۱۳۸۵)، «پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۷۴.
- صبری، نورمحمد (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی در امور کیفری*، تهران: مساوات.
- عبدالهی، افشین (۱۳۹۳)، *آیین دادرسی کیفری: براساس قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون الحاقی آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی ۱۳۹۳*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- عظیم‌زاده، شادی و علی دژخواه (۱۳۹۳)، «حمایت از هویت بزه‌دیده و شاهد و تعارض آن با حق دفاع متهم» (۱۳۹۲)، *فصلنامه تعالی حقوق*، شماره ۸.
- علوی، سید ابودر (۱۳۹۴)، *بازپرس و بازپرسی در نظام حقوق کیفری ایران*، تهران: انتشارات نگاه بینه.
- غفاری، هدی و عاطفه عباسی کلیمانی (۱۳۸۵)، «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکرد بر اسناد فراملی»، *مجله فقه و حقوق خانواده*، شماره ۴۳.
- فتاح، عزت (۱۳۷۱)، «از سیاست مبارزه با بزهکاری تا سیاست دفاع از بزه‌دیده»، *ترجمه سوسن خطاطان و علی حسین نجفی ابرندآبادی*، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۳.
- کرباس فروش، قاسم، اکبر وروایی و توران توسلی‌زاده (۱۳۹۹)، «حقوق بزه‌دیده از منظر دادرسی عادلانه و اخلاق در آیین دادرسی کیفری و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، شماره ۳.
- کوشا، جعفر و مصطفی پاک‌نیت (۱۳۹۶)، «توازن میان حقوق متهم و بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اسناد بین‌المللی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۷.
- گرامی، حسین و محبتی فرمند (۱۳۹۹)، «جستاری در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳»، *فصلنامه آرا*، شماره ۱.
- گسن، ریموند (۱۳۸۵)، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران: مجد.
- گلدوست جویباری، رجب، مهدی غلامپور و حسین ناظریان (۱۳۹۲)، «تحدید حق شکایت در حقوق کیفری ایران»، *پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۳.
- گلدوست جویباری، رجب (۱۳۹۶)، *آیین دادرسی کیفری: منطبق با ق. آ. د. ک جدید مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ و اصلاحات مصوب ۱۳۹۴/۰۳/۲۴*، تهران: جنگل، جاودانه.
- لیز، ژرار و ژینا فیلیزولا (۱۳۷۹)، *بزه‌دیده و بزه‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: مجد.
- لعل‌علیزاده، محسن (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی حقوق بزه‌دیدگان در مراحل تعقیب و تحقیق در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با دیوان کیفری بین‌المللی»، *پژوهش حقوق کیفری*، شماره ۱۹.

- ملک‌شاهی، محمد و ولی‌الله انصاری (۱۳۹۵)، «جنبه‌های حمایتی پلیس از بزه‌دیدگان در قوانین ایران»، فصلنامه مطالعات حقوقی - انتظامی، شماره ۳.
- منصورآبادی، عباس و فضل‌الله فروغی (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری ۱، تهران: میزان.
- منصوری نعلبندان، علی (۱۳۹۹)، «پیشگیری از تکرار و توسعه بزه‌دیدگی توسط پلیس»، رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، شماره ۴.
- مؤذن‌زادگان، حسن علی (۱۳۸۸)، «پیشگیری از تشدید بزه‌دیدگی در فرایند دادرسی»، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۲.
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۱)، «نقش بزه‌دیده در چگونگی پاسخ‌دهی به بزه‌کاران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۷.
- وثوقی، منصور و علی‌اکبر نیک خلق (۱۳۹۵)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: بهینه.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۹۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۲، تهران: میزان.
- یزدانی، ثنا (۱۴۰۱)، از ترس نترس، تهران: مانیان.
- ابو العینین، علی فضل (۲۰۰۶)، تضمین‌های متهم در مرحله دادگاه، قاهره: مرکز بیداری عرب.
- وروایی، اکبر، همت محمدی، و ایوب نوریان (۱۳۹۵)، «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۸.
- والین، لوک (۱۳۸۵)، «قربانیان و شهود در جنایات بین‌المللی: از حق حمایت تا حق بیان»، ترجمه توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، مجله حقوقی، شماره ۳۴.

### ب) منابع عربی

- ابی داوود، سلیمان بن الأشعث السجستانی الأزدی (۱۴۲۹ق)، «أ الخراج والإمارة والفي» باب في تعشير أهل الذمة إذا اختلفوا بالتجارات ۳۰۴/۸ ح رقم ۳۰۳۶ و صححه الألبانی، البیروت.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، زبده الی بیان فی الحکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه.

### ج) منابع انگلیسی

- Raje, M. (2022), "Victim's rights under the Indian criminal law system", Available at: <https://blog.iplayers.in/victims-rights-under-the-indian-criminal-law-system/>
- Holmberg, L., Johansen, L. V., Asmussen, I. H., Birkmose, S. M., & Adrian, L. (2021), "Victims' rights: Serving victims or the criminal justice system? An empirical study on victims of violent crime and their experiences with the Danish police", *International Journal of Comparative and Applied Criminal Justice*, 45(1), 89-104.
- McGregor, K. (2019), *Putting victims at the heart of the criminal justice system*.
- Doak, J. (2018), "Victims' Rights in the Criminal Justice System", *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, No.3.
- Baumgartner, E. (2008), "Aspects of victim participation in the proceedings of the International Criminal Court", *International review of red cross*, No.870 .

- Doak, J. (2005), "Victims' Rights in Criminal Trials: Prospects for Participation", **Journal of Law and Society**, No. 2
- Freiberg, A. (2003), "Managerialism in Australian Criminal Justice: RIP for KPIs ?", **Monash University Law Review** , No. 195.
- Hotaling, G. (2003), **Victim satisfaction with criminal justice case processing in a model court setting**, Department of Criminal Justice University of Massachusetts, Lowell.
- Hucklesby, A., & W. Azrini (2013), **Criminal Justice**, Edition: illustrated, Publisher: OUP Oxford.
- Knudsen, M. (2020), **Victims of Violence: Support, Challenges and Outcomes Safety and Risk in Society Series**, Nova Science Publishers, Incorporated
- Moffett, L. (2014), **Justice for Victims Before the International Criminal Court**, New York, Routledge. Renzetti, Claire Sandra Yocum, M. (2013), **Clergy Sexual Abuse: Social Science Perspectives**, Northeastern Series on Gender, Crime, and Law Series, Publisher: UPNE
- schoonmaker, S .(2010), "Special symposium on the intersection of family and criminal law", **family law quarterly**, No. 2.
- Tiwari, P. (2012), "Victimology : a sub-discipline of criminology", **Dehradun Law Review**, Vol. 4, Issue 1.
- John Champion (2021), Victim and Witness Policy and Strategy Team, Delivering justice for victims A consultation on improving victims' experiences of the justice system, Printed in the UK by HH Associates Ltd. on behalf of the Controller of Her Majesty's Stationery Office.